

کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان

اول می ۱۹۱۱ / ۱۱ ثور ۱۳۸۰

ساعت ۸/۱۰ دقیقه قبل از ظهر

صحبت مقدماتی افتتاحیه (توسط رفیق ضیاء) :

رفقا!

مجموع آراء حاضر در کنگره ، شامل رفقای مرکزیت مؤقت سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان و رفقای واحد های تشکیلاتی مناطق شماره اول ، دوم و چهارم سازمان ، یازده رای می شود . از آن جمله هشت نفر با هشت رای در جلسه حاضر هستند و سه نفر رفقای واحد تشکیلاتی منطقه شماره چهارم سازمان آراء شان را به رفقای دیگر انتقال داده اند . رفقا " ولی " و " واحد " آراء شان را به رفیق ضیاء انتقال داده اند و رفیق ثریا هم رای خود را به رفیق جیحون انتقال داده است . به این ترتیب نه تنها نصاب جلسه کنگره تکمیل است بلکه درواقع مجموع آراء شرکت کننده در کنگره یعنی یازده رای در جلسه حاضر است و می توانیم جلسه کنگره را دایر نماییم .

کنگره را با پخش سرود انترناسیونال افتتاح می کنیم .

سرود انترناسیونال پخش شد . با پخش سرود انترناسیونال تمامی رفقا حاضر در جلسه به پا خاسته و در جریان پخش سرود به پا ایستادند . پس از استماع سرود انترناسیونال ، رفقا مجددا نشستند و صحبت توسط رفیق ضیاء ادامه یافت . صورت جلسه کنگره در مجموع سه مسئله مهم را در بر می گیرد . مسئله اول یا درواقع مهمترین مسئله که مضمون ایدئولوژیک - سیاسی کنگره را تعیین می کند بحث روی اسناد اساسی ای است که قبلا بصورت چهار سند اساسی از طرف مرکزیت مؤقت سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان تهیه شده بود و در محورش نظر خواهی رفقای سازمان گذاشته شد . آخرین ترتیب این چهار سند بصورت دوسند یعنی مرامنامه و اساسنامه حزب کمونیست افغانستان درآمد . به این ترتیب هر سه سند " اساسات ایدئولوژیک - سیاسی حزب کمونیست افغانستان " برنامه سیاسی حزب کمونیست افغانستان (انقلاب دموکراتیک نوین افغانستان) و مشی استراتژیک انقلاب

دموکراتیک نوین افغانستان (جنگ خلق) ، در یک سند واحد بنام " مرانامه حزب کمونیست افغانستان " در این جلسه مورد جروبحث قرار میگیرد . سند دومی که به کنگره تقدیم می شود " اساسنامه حزب کمونیست افغانستان " است .

چراجر وبحث روی این اسناد اساسی و چگونگی فیصله در مورد آنها مضمون ایدئولوژیک - سیاسی کنگره را تعیین می کند ؟

رفقا بهتر می دانند که جنبش کمونیستی افغانستان بایست و شش سالی که از عمرش می گذرد و با دادن قربانی های بیشماری که بهر صورت در راه مبارزه نثار کرده در واقع برای اولین بار این چانس برایش مساعد می شود که در همین جلسه محقر ما این گونه اسناد اساسی مربوط به حزب کمونیست افغانستان را مورد جروبحث ، دقت و فیصله قرار بدهد . به این خاطر درک این نکته با توجه به اهمیت این نکته ضرور است که به یک معنی مسئولیت بیست و شش سال افت و خیز های جنبش کمونیستی افغانستان روی شانه های یازده رای حاضر در این جلسه می افتد . و باز به همین جهت این کاملاً ضروری است که تمامی رفقا بادرک بسیار جدی و قاطع این مسئله ، جلسات کنگره را پیش ببرند و بعد از آن هم با همین درک و احساس فعالیت های انقلابی مبارزاتی شان را پیش ببرند ، یعنی بعد از کنگره با تمام وجود آمادگی تقبل مسئولیت های فیصله های صادر شده در کنگره را داشته باشند .

وقتی مرکزیت مؤقت سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان با شرکت فعالین ورفقای سازمان این اسناد اساسی را غرض ارائه به کنگره تهیه کرده ، خودش یک گام اساسی برای تاسیس حزب کمونیست افغانستان است . حال وقتی ما این اسناد را در جلسه کنگره بحث می کنیم و مورد تصویب قرار می دهیم گام دیگری را ، گام اساسی دیگری را بطرف تاسیس حزب کمونیست افغانستان بر می داریم .

به این ترتیب مطالبی که بلافاصله بعد از تصویب این اسناد مطرح می شود اینست که آیا ما ، یعنی سازمان ما دارای این توانمندی و صلاحیت از جهات متعدد هست که خود را حزب کمونیست افغانستان بخواند یا نه ؟ اگر هست دلایلش چیست و اگر نیست علل و عواملش کدام است ؟ تقبل مسئولیت در رابطه با بیست و شش سال مبارزات جنبش کمونیستی افغانستان ، با افت و خیز های فراوان و قربانی های بیشمار ، از ما طلب می کند که اگر چنانچه به جهاتی نتوانیم فعلاً حزب کمونیست افغانستان باشیم ، دلایل این امر را در کنگره بخوبی روشن کنیم و روی رفع هر چه اصولی تر و سریع تر این نواقص و کمبودات جروبحث و تبادل نظر کنیم و برای تطبیق فیصله های که درین مورد در کنگره می کنیم بصورت بسیار قاطع و جدی بعد از ختم جلسه کنگره اقدام نمائیم . ولی اگر چنانچه در جهاتی عمده بتوانیم

خود را حزب کمونیست افغانستان بدانیم ، ولو این که نواقص و کمبودات معینی نیز وجود داشته باشد ، نباید تردید و دودلی بخود راه دهیم و باید با جرئت کامل ، علیرغم خطرات و تهدیدات عظیم ، حزب کمونیست افغانستان را در این کنگره تاسیس کنیم و موجودیت آنرا اعلام نمائیم . . مورد دوم در صورت جلسه کنگره همین مسئله است.

با دایر شدن کنگره ، دوره مسئولیت مرکزیت مؤقت سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان خاتمه می یابد . در واقع فعلا تمامی مسئولیت های سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی سازمان برعهده همین جلسه است . بناء مسئله سومی که پیش پای جلسه کنگره قرار دارد اینست که در پایان کارش کمیته مرکزی جدیدی را که بعد از ختم کار کنگره مسئولیت رهبری فعالیت های مبارزاتی سازمانی و یا حزبی را برعهده داشته باشد انتخاب نماید.

به این ترتیب در واقع جلسه کنگره سه مسئله مهم را مورد جر و بحث و فیصله قرار می دهد .
۱ - مرامنامه و اساسنامه حزب کمونیست افغانستان . ۲ - اینکه ما می توانیم حزب کمونیست افغانستان باشیم یا نباشیم (اگر می توانیم باشیم باید شجاعانه به تاسیس حزب کمونیست افغانستان اقدام کنیم و اگر نمی توانیم باشیم علل و عواملش را روشن کنیم و برای رفعش راه چاره بسنجیم . ۳ - انتخاب کمیته مرکزی جدید .

قسمت زیادی از سندی که بنام " مرامنامه حزب کمونیست افغانستان " تهیه شده ، شامل مطالب مربوط به گزارش سیاسی می شود که معمولا در جلسات سازمان ها و احزاب از طرف کمیته مرکزی ارائه می شود . اگر این مسایل را ما ازسند " مرامنامه حزب کمونیست افغانستان " نقل نمائیم از مجموع گزارش سیاسی فقط مسایل مربوط به خود سازمان و مشکلات و پرابلم ها و دستآورد ها و فعالیت های که تا حال کرده است ، باقی می ماند که آنهم در اساس در بند دوم اجندا مورد مباحثه قرار می گیرد. به این خاطر برای اینکه از تکرار مطالب جلوگیری نمائیم و کار کنگره را بی مورد به درازا نکشائیم ، پیش نهاد رفقای عضو مرکزیت مؤقت سازمان ، یا بهتر است بگوئیم پیشنهاد رفقای عضو مرکزیت مؤقت قبلی اینست که ما برخلاف روال عادی کنگره ها و جلسات عمومی ، بحث خود را حول این سه قضیه ای که بیان شد ، راسا به ترتیب شروع کنیم و یکی یکی فیصله نمائیم . یعنی اول روی مرامنامه و اساسنامه حزب بحث نمائیم و این اسناد را مورد تصویب کنگره قرار بدهیم .

بعد از اینکه این اسناد مورد تصویب قرار گرفت و ما در واقع دارای پایه های ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی حزب کمونیست افغانستان از لحاظ مرامنامه و اساسنامه شدیم ، روی این مسئله بحث نمائیم که آیا ما می توانیم در همین کنگره حزب کمونیست افغانستان را

تاسیس نمائیم یا نه؟ در پایان کمیته مرکزی جدید سازمان ویا کمیته مرکزی حزب را انتخاب کنیم.

رفقا صحبت و پیشنهادی دارند؟

هیچ رفیق صحبت و پیشنهادی نداشت. اجندای جلسه کنگره باتوافق عمومی مورد تصویب قرار گرفت.

ضیاء - مسئول جلسه، صورت جلسه نویسان و قرائت کنندگان اسناد نیز باید تعیین شود.

فروتن - پیشنهاد می نمایم رفیق جیحون به حیث مسئول جلسه تعیین شود.

سایر رفقا با این پیشنهاد موافقه نمودند اما رفیق جیحون خود پیشنهاد نمود که مسئولیت جلسه بر عهده رفیق ضیاء باشد و خود داوطلب شد که در نوشتن صورت جلسه مسئولیت داشته باشد. پیشنهاد رفیق جیحون مورد قبول سایر رفقا قرار گرفت و به این ترتیب رفیق مسئول جلسه و رفیق جیحون مسئول نوشتن صورت جلسه کنگره تعیین گردیدند.

بنابه پیشنهاد رفیق جیحون به اتفاق آراء فیصله شد که رفیق عطیت نیز در نوشتن صورت جلسه مسئولیت داشته باشد.

رفیق هوشنگ بنا به پیشنهاد خودش و رفیق فروتن بنا به پیشنهاد رفیق جاوید بعنوان قرائت کنندگان اسناد به اتفاق آراء انتخاب شدند.

- روی عنوان انتخاب شده، رفقا رای موافق ارائه نمودند و صرفاً در مورد فرق بین برنامه و مرامنامه توضیح خواسته شد که این فرق توضیح داده شد. *

- مقدمه خوانده شده باستثنای جمله (حزب در حال تشکل) ویا (حزب کمونیست افغانستان) متباقی موارد تصویب شده و تصویب این موضوع به بعد از نتیجه بحث روی ماده دوم اجندا موکول گردید.

صفحه اول مرامنامه که در چهار پاراگراف تدوین شده است همراه با عنوان آن مورد تصویب قرار گرفت، باتفاق آراء.

صفحه دوم بخش ایدئولوژی تحت عنوان (مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم) شروع شده الی صفحه (چهارده) مدون شده است، که با تصحیحات زیر به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت

- کنگره فیصله نمود (باتفاق آراء) که در تمام موارد پساوند " ایسم " به " ایزم " برگردانیده شود.

- ص (۵) پاراگراف دوم چنین تصحیح و تصویب شد (باتفاق آراء) : " علاوه تا سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان و اتحادیه کمونیست های ایران اصطلاح مائوئیسم را مورد پذیرش قرار داده و حزب کمونیست افغانستان نیز در بکار برد این اصطلاح تاکید اساسی می نماید .

- ص (۵) پاراگراف چهارم برای " ما " چنین تصحیح و تصویب شد (باتفاق آراء) " به یقین باید گفت که ... "

- ص (۵) بخش فلسفی ، پاراگراف اول ، سطر سوم ، بجای " او " کلمه " مائو " بکار برده شود. باتفاق تصویب شد .

- ص (۸) ، سه جزء " م . ل . م " ، پاراگراف اول ، سطر چهارم بجای " برمی شماریم " کلمات " توضیح می دهیم " تصویب شد . باتفاق آراء .

- ص (۸) ، بخش فلسفه ، پاراگراف اول ، سطر چهارم ، بجای " شعوراز آن سرچشمه گرفته و بآن وابسته می باشدوبه آن تبدیل می شود " ، باتفاق آراء چنین تصحیح و تصویب شد " شعوراز آن سرچشمه می گیرد ، به آن وابسته است و به آن تبدیل می شود .

ازصفحه (۱۵ الی صفحه ۳۸) ، مبحث تحت عنوان " سه چهره رویزیونیسم مدرن " ، باتصحیحات و اضافات زیرین ، باتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت .

- ص (۱۵) سطر آخر بعد از کلمه چنین تصحیح شد " ... ذیلا وضاحت داده می شود " .

- ص (۱۵) سطر چهارم پاراگراف سه ، این جمله علاوه شد " که به رویزیونیسم مدرن معروف است " .

- ص (۱۷) فقره سوم سطر سوم ، کلمه " موازی " به " توام " تصحیح شد .

- ص (۱۸) از شروع سطر چهارم ، بجای " مردم " کلمات " افراد جامعه " تصحیح شد .

- ص (۱۹) سطر دوم باحذف " یعنی " - بجای کلمه " " " در سطر " ۵ - " دادند " تصحیح شد .

- ص (۱۹) ، " که پدیده های اند طبقاتی " درسطردهم حذف شد .

- ص (۱۹) پاراگراف دوم سطر آخر ، جمله چنین تصحیح شد " آنها جنگ های عادلانه را محکوم نموده وبا جنگ های غیر عادلانه یکی میدانند " .

- ص (۲۰) زیر عنوان " در شکل برژنفی " ، سطر سه و پنج کلمات " گرفتند وماندند " به کلمات " گرفت وماند " تصحیح شد .

- ص (۲۱) سطر آخر ، کلمه " روشنتر " بجای " رویزیونیستی تر وسوسیال امپریالیستی تر " آورده شد .
- ص (۲۲) پاراگراف دوم سطر دوم کلمه " توجه " به " تظاهر " تصحیح شد .
- ص (۲۳) سطر پنجم کلمه " قسمی " حذف شد .
- ص (۲۳) زیرعنوان " از لحاظ اقتصادی ، در شکل خروشچفی " سطر سوم به ترتیب ذیل تصحیح شد " در نهایت ماهیت نظام حاکم بر جامعه را معین می نماید و نه اشکال صرفا حقوقی مالکیت بر وسایل تولید " .
- ص (۲۵) پاراگراف سوم سطر پنجم کلمه " بوروکراتیک " حذف شد .
- ص (۲۷) زیرعنوان " از لحاظ فلسفی " پاراگراف دوم سطر پنجم کلمه " خروشچفی " به " روسی " تبدیل شد .
- ص (۲۷) پاراگراف آخر سطر اول بجای " بیان نمودیم " کلمه " بیان شد " تصحیح شد .
- صفحه یک (۲۸) سطر ۱۶ کلمه " سوم " بعد از کلمه " امپریالیستی " حذف شد .
- ص (۲۸) زیر عنوان رویزیونیزم چینی ، سطر دوم ، " کلمات " ایام وفات " به " ایام درگذشت " تبدیل شد .
- زیر عنوان دگمارویزیونیزم خواجه ، از لحاظ سیاسی ، پاراگراف زیر علاوه گردید : " اینکه پارلمانتاریزم بورژوائی در آلبانیا رسما مورد قبول قرار گرفته و حزب کار آلبانیا به برگزاری انتخابات و رقابت پارلمانی با احزاب و دسته های لیبرال بورژوا تن در داده است ، پایه اساسی تئوریک - اساسی اش در حقیقت مخالفت با " تئوری ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا " می باشد . این مخالفت اگر دیروز موضع گیری های بوروکراتیک انحصاری را با عث می شد ، امروز عامل موقف گیری های پارلمانتاریستی می باشد . از آنجای که بنابه مخالفت با " تئوری ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا " موضع گیری های حزب کار آلبانیا علیه رویزیونیزم پایه و اساس محکمی نداشت ، سرانجام این حزب مناسبات دوستانه ای با رویزیونیست های حاکم بر چین و حتی با سوسیال امپریالیزم شوروی برقرار ساخت . "
- ص (۳۶) زیر عنوان دگما رویزیونیزم خواجه از لحاظ اقتصادی ، پاراگراف دوم سطر آخر ، کلمات " سوسیال امپریالیزم شوروی و دولت مرتجع چین " افزوده شد .
- ص (۳۷) سطر نهم ، به عوض " چنین چیزی " کلمات (یکی از این دو جریان) علاوه شد .
- ص (۳۷) سطر هفدهم بجای " عام " کلمه " عمومی تکامل " تصحیح شد .
- ص (۳۷) پاراگراف دوم سطر چهارم کلمه " اشتباه " بعد از " محدودیت " افزوده شد .

- ص (۳۸) پاراگراف دوم سطر سوم ، بعوض " نفی نماید " تصحیح گردید " مورد تردید قرار دهد " .

مبحث انترناسیونالیسم پرولتری از صفحه (۳۹) الی (۴۴) با تصحیحات و اضافات زیرین ، به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت :

- ص (۳۹) آخر سطر سوم کلمات " فلسفه کلاسیک " علاوه شد .
 - ص (۴۰) پاراگراف سوم سطر هفتم بعوض " معین " کلمه " واشتباهاات " تصحیح شد .
 - ص (۴۳) فقره چهارم سطر چهارم بجای " این " کلمه " تمامی " تصحیح شد .
 - ص (۴۴) سطر سیزدهم ، زیر عنوان انترناسیونالیسم پرولتری از لحاظ تشکیلاتی ، بعد از " اهمیت اساسی " کلمه " بین المللی " علاوه شد .
-

مبحث اوضاع جهانی و جنبش جهانی کمونیستی از صفحه (۴۵) الی صفحه (۵۴) با تصحیحات و اضافات ذیل به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت .

- ص (۴۹) پاراگراف اول سطر آخر ، به عوض " تبانی تقابل جایگزین تقابل گردد " جمله " تبانی جنبه عمده مناسبات شانرا تشکیل دهد . " تصحیح شد .
 - ص (۴۹) پاراگراف سوم سطر پنجم ، بعد از " بین المللی " کلمه " کمونیستی " اضافه شد .
 - ص (۵۰) پاراگراف دوم سطر آخر ، بعوض " طبقه ما " کلمه " پرولتاریایی " اصلاح شد .
 - ص (۵۲) پاراگراف دوم سطر هشتم ، بجای کلمه " این " کلمه " تمامی " تصحیح شد .
-

قسمت اول " مرانامه حزب کمونیست افغانستان " که از جانب رفقا " هوشنگ " و " فروتن " قرائت شد ، بعد از آنکه جزء به جزء مورد جروبحث قرار گرفت ، یکبار دیگر بصورت عمومی بعنوان فصل اول مرانامه ، به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت .

قسمت دوم - انقلاب دموکراتیک نوین :

از ص (۵۵) پیشینه تاریخی افغانستان -

ص (۵۶) به عوض پاراگراف سوم ... " انگلیس ها باراول به بهانه اعاده سلطنت شاه شجاع و همراه با وی به لشکر کشی اشغالگرانه بر کشور اقدام کردند . اما نه تنها ارتش مهاجم انگلیسی با شکست مواجه شد ، بلکه شاه شجاع نیز به سزای اعمالش رسیده و توسط

مبارزین ضد انگلیسی کشته شد . ولی در فرجام کشور همچنان بصورت یک مستعمره انگلیس باقی ماند ..

ختم جلسه روزاول ساعت ۴ . ۵ شب

جلسه روز دوم ساعت هفت صبح با موجودیت تمام رفقا شروع شده و بحث روی قسمت دوم مرامنامه را ادامه داد .

ص (۶۶) - پاراگراف سوم سطر سوم کلمه " تکاملی " علاوه شد .

ص (۶۶) پاراگراف چهارم سطر دوم کلمات " مبنی بر خروج قوای شان " علاوه شد .

ص (۶۶) پاراگراف چهارم سطر ۴ و ۵ - تقابل - تبانی به تبانی - تقابل اصلاح شد و کلمه " غربی " نیز علاوه شد .

ص (۶۷) تقابل تبانی در سطر دوم به تبانی - تقابل تصحیح شد .

ص (۶۸) - اوضاع پس از خروج قوای شوروی - سطر دوم و سوم چنین تصحیح شد - " رژیم مزدور سوسیال امپریالیزم شوروی ادامه یافت . "

ص (۷۱) سطر دوم حذف شد (دریافت یک :) . بجای آن " دورنمای روشن در آینده " علاوه شد

ص (۷۲) سطر دوم علاوه شد " موافقه روی الغاء پیمان نظامی وارسا " . ودرعین حال " اخیرا زاید دانسته شد و حذف شد .

ص (۷۳) - وضع طبقاتی و مواضع طبقاتی نیروهای سیاسی افغانستان - با تاسیسات و افزودات به اتفاق آراء مورد تائید و تصویب قرار گرفت .

درمورد طبقه خواندن بورژوازی ملی ، خرده بورژوازی و بورژوازی کمپرادور طی بحث یک ونیم ساعته توسط رفقا " ضیاء " و " جیحون " توضیحات لازمه ارائه گردید . درین بحث ها به جلد دوم انتخابات مائوتسه دون و جریده شعله شماره ۱۲ نیز مراجعه گردید و ابهامات آنها روشن ساخته شد (توسط رفیق ضیاء)

در تحلیل مائوتسه دون در جلد دوم انتخابات صفحه ۴۷۱ طبقه مالکان ارضی و بورژوازی یعنی هردو یک طبقه خوانده می شود به ارائه آن . نقد و قول (چه عاقبتی در جامعه کنونی چین وجود دارند ؟ طبقه مالکان ارضی و بورژوازی ، طبقه مالکان ارضی و قشر فوقانی بورژوازی طبقات حاکمه جامعه چین هستند . علاوه بر آن پرولتاریا وظیفه دهقان و بخش های مختلف خرده بورژوازی غیر ازدهقانان وجود دارند ، درحال حاضر سه طبقه اخیر سرزمین های پهناور چین هنوز طبقات محکوم اند .)

ص ۴۷۲ - نقل قول - (تحت عنوان " ۲ . بورژوازی " - " بورژوازی به بورژوازی کمپرادور و بورژوازی ملی تقسیم می شود . بورژوازی بزرگ کمپرادور طبقه ایست که بورژوازی ملی طبقه ایست این طبقه یکی از نیروهای انقلاب است ... این طبقه در دوره های معین ...)

ص ۴۷۵ - تحت عنوان " بخش های مختلف خرده بورژوازی غیر از دهقانان "

ص ۴۷۷ - تحت عنوان " طبقه دهقان " . همچنان پاره ای از مطالب مربوط به تحلیل طبقات شعله شماره دوازدهم خوانده شد و ابهامات آن نشانی گردید .

بعد از مجموعه این بحث ها قناعت رفقا هریک هوشنگ ، پودل و عطیت که بحث در این مورد را مطرح نموده بودند فراهم گردید . در نتیجه تمامی رفقای شرکت کننده در کنگره به اتفاق آراء قبول نمودند که تحلیل مرامنامه در مورد طبقه خواندن خرده بورژوازی ، بورژوازی ملی و بورژوازی کمپرادور صحیح می باشد و آنرا تصویب نمودند .

ص ۷۳ زیر عنوان وضع طبقات و ... سطر ششم بعد از کارگر کلمات " علاوتا اراذل و اوباش بمثابة قشر انفعالی جامعه " افزوده شد .

- در مورد اینکه " سازمان نصر " نماینده سیاسی کدام طبقه اجتماعی است ، بخاطر دامن زدن بحث از جانب رفیق " ضیاء " سوال مطرح شد . رفیق " علی " در مورد اینکه سازمان نصر نماینده فیودالیزم است توضیحاتی ارائه نمود همچنان رفقای دیگری نیز با تذکر مطالبی تحلیل مرامنامه را مورد تأیید قرار دادند و در نتیجه تمامی رفقای شرکت کننده تأیید نمودند که موضوع مطرح شده در " مرامنامه " صحیح و مورد تأیید می باشد .

ص ۷۸ پاراگراف سوم سطر سوم - " گروه توحیدی " حذف شد .

ص ۸۰ - کلمات " فکر می شود " و " خودشان " حذف شد .

ص ۸۳ پاراگراف دوم - از نیمه سطر سوم الی اخیر پاراگراف حذف شد .

ص ۸۳ پاراگراف دوم کلمه " بخش های " به " مناطق " تبدیل شد .

ص ۸۴ پاراگراف چهارم سطر دوم - " قبل از آنکه " حذف شد و در اخیر جمله به عوض " گردید " کلمه " نگردید " آورده شد .

ص ۸۴ از آخر صفحه پاراگراف اول - چنین تصحیحاتی بعمل آمد - " با مواضع ، برنامه ها و مشی های اپورتونیستی ، اکونومیستی ، رویزیونیستی سه جهانی ، رویزیونیستی خواجه ای و سنتریستی نمی توانستند و هرگز نخواهند توانست . "

ص ۸۵ - کلمات " درین اواخر " از آخر ص ۶۴ حذف ، بجای کلمات " مدافع " " طرف دفاع از " و بجای " مبدل " " متمایل " بکار برده شد .

ص ۸۵ پاراگراف دوم سطر دوم - جملات ذیل تصحیح گردید .
" چون حزب کمونیست افغانستان حزب پیشآهنگ و نماینده سیاسی طبقه کارگر در کشور
محور اصلی در تامین رهبری پرولتاری بر مبارزات ضد امپریالیستی و ضد فیودالی خلق های
ما محسوب می شود " به ادامه بحث - " مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی
مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی ای که طی چند سال گذشته به منظور تشکیل حزب
کمونیست افغانستان به پیش برده شد، سرانجام منجر به تشکیل این حزب گردید ".
و همچنان به ادامه - " بابیان گذاری "

از صفحه ۸۶ الی صفحه ۹۳ در مورد ستم ملی و ملیت های ساکن در افغانستان .
ص ۸۹ تحت عنوان کوچی ها " دومیلیون " به " یک میلیون " تصحیح شد .
ص ۹۰ پاراگراف دوم سطر اول کلمه " هم اکنون " حذف گردید .
ص ۹۱ پاراگراف سوم سطر سوم بعد از اجتماعی کلمه " سیاسی " اضافه شد و جمله " فاقد
شور و شوق انقلابی می باشد " حذف شد .
تصحیحات و اضافات فوق به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت .
انقلاب افغانستان - از صفحه ۹۴ الی صفحه .

ص ۹۶ - یک قسمت ذیلا تصحیح شد . " انکار موجودیت شوونیزم ملی پشتون و اعمال ستم
ملی بر ملیت های غیر پشتون که برپایه انکار موجودیت ملیت های مختلف در کشور و باور به
موجودیت یک ملیت واحد " افغان " استوار بود و در آخرین تحلیل به نفع شوونیزم طبقات
حاکمه ملیت پشتون تمام می شد ، در سال های گذشته جنبش کمونیستی افغانستان را از
برخورد مشخص به یک مسئله اصلی جامعه بازداشته و مانع جدی ای بر سر راه پیشرفت
مبارزات کمونیست ها بوجود آورد .

ص ۹۷ سطر اول - بعد از استقلال کلمه " کشور " و بعد از آزادی کلمه " ملی " افزوده شد .
ص ۹۷ - کلمه براه انداختن به عوض " رفت " تصحیح شد .
ص ۹۷ سطر آخر بجای کلمه " نفی " " نادیده گرفتن " تصحیح شد و مجددا بجای کلمه "
نفی " " انکار " تصحیح شد .

ص ۱۰۰ سطر ۴ کلمات " تمامی ملیت های افغانستان " حذف شد .
ص ۱۰۱ فقره ۲ سطر ۶ بعد از کمونیست کلمه " بوجود آمده ، سازماندهی ... " اصلاح شد .
ص ۱۰۲ فقره ۳ سطر ۵ بجای " یعنی تحت رهبری " زبه پیشاهنگی " تصحیح شد .
جلسه روز دوم - مورخ دوم می - به ساعت ۱۵ : ۹ شب به پایان رسید .

جلسه روز سوم - مورخ سوم می - به شرکت تمامی رفقا ساعت ۱۰: ۷ صبح شروع گردید.

صفحه ۱۰۳ اهداف انقلاب دموکراتیک نوین در ابعاد مختلف -

ص ۱۰۵ پاراگراف دوم سطر چهارم چنین تصحیح شد - " بعنوان یک واحد ملی دارای حق حاکمیت ملی می باشد " .

- در مورد مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت و تفاوت آن با " خود مختاری " بحث و صحبت لازم توضیحی توسط رفقا " ضیاء " و " جیحون " بعمل آمد . تمام رفقا روی آنچه در مرامنامه توضیح شده است موافقت نمودند و آنرا مورد تأیید و تصویب قرار دادند .

- در مورد مسئله دین و چگونگی برخورد دولت جمهوری دموکراتیک نوین و اینکه برخورد حزب کمونیست با این مسئله چگونه هست صحبت های روشن کننده و توضیحی از طرف رفقا " ضیاء " و " جیحون " بعمل آمد . رفقای دیگری به بیان یک سلسله مطالب درین مورد پرداختند . تمام رفقا با این بحث ها موافقت و آنرا به اتفاق آراء مورد تأیید و تصویب قرار دادند .

- روی مسئله عودت آبرومندان آوارگان که دیروز اشاراتی شده بود ، امروز بحث های مجدد بعمل آمد و توضیحاتی درین مورد توسط بعضی رفقا بعمل آمد . این توضیحات و بحث ها مورد قبول رفیق " پردل " که مباحثه درین مورد را مطرح نموده بود قرار گرفت و در نتیجه فرمول بندی مرامنامه مورد تأیید و تصویب تمامی رفقا قرار گرفت .

ص ۱۰۷ در آخر سطر آخر این جمله اضافه شد " وسایر اشکال فاشیزم مذهبی " - در مورد بازکردن یک مبحث علیحده تحت عنوان " اهداف اجتماعی انقلاب " رای گیری صورت گرفت و با هفت رای موافق در مقابل چهار رای مخالف فیصله بعمل آمد که چنین عنوانی در مرامنامه گنجانده شود . * *

آرای موافق و مخالف - جاوید مخالف - پردل موافق - علی موافق - فروتن موافق - هوشنگ موافق - عطیت موافق - جیحون موافق و با دو رای - ضیاء مخالف (با سه رای) .

- در مورد مسئله کئوپراتیو ها و اهمیت آن در رابطه به مسئله زمین و چگونگی آماده شدن دهاقین در قبول فعالیت های کئوپراتیفی توسط رفیق ضیاء " بحثی بعمل آمد و در مورد مواضع شعله های شماره نهم و دوازدهم و نیز مواضع سنگر شماره دوم (مربوط سازمان کمونیست ها) توضیحاتی داده شد . بعدا رفیق " جیحون " در مورد مسایل مربوط به کئوپراتیف در افغانستان بحث بعمل آورد . این مباحثات و مطلب مربوط به آن در مرامنامه مورد تأیید و تصویب تمامی رفقا قرار گرفت .

- در مورد مالیه مترقی از طرف رفیق " فروتن " سوال بعمل آمد که در این مورد از جانب رفیق " ضیاء " توضیحاتی داده شد . در نتیجه مطلب مربوط به این بحث در مرامنامه مورد تأیید و تصویب تمامی رفقا قرار گرفت .

ص ۱۱۴ - پاراگراف اول ذیلا تصحیح شد . " پیشبرد ساختمان اقتصادی هریک از ایالات در داخل چوکات سیاست های اقتصادی عمومی دولت دموکراتیک نوین در سراسر کشور ، بشمول حق تقدم در استفاده از منابع طبیعی محدوده ملی ، و قسمی که حق تعیین سرنوشت ملیت ها بدست خود شان بتواند از پایه مادی - اقتصادی برخوردار باشد . "

- در مورد مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت و اینکه مبارزات ملیت های تحت ستم علیه شوونیزم ملیت پشتون که در حال حاضر در برخی مناطق به رای افتیده ، باوجود کمبود ها و حتی انحرافاتش از لحاظ اصولی یک مبارزه برحق می باشد یا نه از جانب رفقا " ضیاء " ، " جیحون " و " جاوید " مباحثاتی صورت گرفت و پیرامون سوالاتی که در این مورد بویژه از جانب رفقا " فروتن " و " علی " مطرح گردیده بود توضیحات لازمه داده شد . * * * .

در نتیجه تمام رفقا تأیید نمودند که این مبارزات را نمی توان محکوم نموده و به این ملیت های تحت ستم گفت که - ازان جای که کمونیست ها در رهبری شما قرار ندارند و یا در عقب مبارزات شما دست استفاده دولت و آخوند ها قرار دارد مبارزات شما محکوم می باشد . البته در عین تأیید اصولیت کلی این مبارزات کمونیست ها وظیفه دارند که عوامل منفی متذکره فوق را به انتقاد گرفته و علیه آن مبارزه نمایند و در تئوری ذهنیت ملیت های محکوم کوشا باشند .

- در صفحه (۱۱۷) بند (ز) در مورد هنر افزوده شد .

- در صفحه (۱۱۸) مبحث (اهداف اجتماعی) علاوه شد .

قسمت دوم مرامنامه (انقلاب دموکراتیک نوین) با تادیلات و اضافات معین در متن ارائه شده به کنگره ، پس از تصویب جزء به جزء ، یکبار دیگر بصورت عمومی به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت .

جلسه روز سوم (مورخ سوم می) به ساعت ۵۰ : ۸ شب به پایان رسید .

جلسه روز چهارم (مورخ چهارم می) به شرکت تمام رفقا ساعت ۳۰ : ۸ صبح آغاز گردید .

قسمت سوم مرامنامه حزب کمونیست افغانستان (استراتیژی جنگ خلق)

- این قسمت از مسوده سند تهیه شده به آنصورتی که قبلا از نظر خواهی ، بحث و پیشنهادات ترمیمی به اختیار رفقای سازمان قرارداد شده ، در تصریح کامل و رده بندی صحیح موضوعات نارسا بود و در عین حال کمبودهای داشت . به این جهت ضرورت به برخورد مجدد داشت و این برخورد مجدد باعث شد که سه صفحه اول سند کاملا حذف شده و موضوعات با عناوین زیر ترتیب شوند :

قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می آید - قیام شهری و کودتا دوبیراهه - جنگ خلق ، جنگ دهقانی تحت رهبری پرولتاریا محاصره شهرها توسط دهات - جنگ طولانی - مناطق پایگاهی - قسمت " ارتش انقلابی " از اخیر صفحات مربوط به بخش جنگ خلق در مسوده ، تادیلات معینی بعد از عنوان " مناطق پایگاهی " آورده شد .

ترتیب و تدوین قسمت سوم مرامنامه بصورت جدید فوق صرفا چند روز قبل از دایر شدن کنگره توسط رفیق " ضیاء " صورت گرفته و مورد موافقت رفیق جیحون قرار گرفت . به این ترتیب این قسمت از مرامنامه به آن صورتی که به کنگره ارائه گردید با متنی که قبلا بنظر خواهی رفقای سازمان گذاشته شده بود تفاوت داشت و در واقع قبل از کنگره صرفا مورد موافقت مرکزیت مؤقت سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان (موافقت دو رای از مجموع سه رای مرکزیت مؤقت) قرار گرفته بود .

رفقای شرکت کننده در کنگره به اتفاق آراء تمامی مباحث متذکره فوق را که در جلسه خوانده شد مورد تأیید و تصویب قرار دادند .

هکذا بعد از یک بحث مختصر رفقا فیصله نمودند که مراحل جنگ خلق به آنصورتی که در مسوده ترتیب شده بود زاید است . در عوض یک پاراگراف مختصر در این مورد در قسمت اخیر عنوان " جنگ طولانی " علاوه شد .

در مورد تدارک برای جنگ خلق بعد از یک بحث طویل در مورد مشخص کردن آن و اینکه این مسئله چگونه اقدامات معینی را ایجاب می نماید تمامی رفقا مباحثاتی بعمل آوردند . فشرده این مباحثات در اخیر سند حاضر درج میگردد و لی این مباحثات رسماً مورد تأیید و فیصله کنگره قرار نگرفته است بلکه وظیفه نهایی درین مورد برعهده مرکزیت بعدی (مرکزیت حزب و یا مرکزیت سازمان) گذاشته شد . فیصله های ذیل به اتفاق آراء درین مورد صورت گرفت :

- تحت عنوان " تدارک برای جنگ خلق " به توضیح مختصر و مفیدی در مرامنامه که ضرورت اجرای عملی آنرا افاده نماید قناعت گردد .

- مرکزیت بعدی مکلف است این مبحث را بصورت نهایی مدون نماید .

- تمامی مباحث مربوط به این مسئله بصورت تفصیلی ، بعنوان مباحث درونی مد نظر گرفته شد.

به این ترتیب سومین بخش مرامنامه حزب کمونیست افغانستان مدون شده و باتفاق آراء مورد تأیید و تصویب کنگره قرار گرفت (جزء به جزء) . مجدداً یکبار دیگر قسمت سوم مرامنامه بصورت یک کل مورد تأیید و تصویب مجموع رفقای حاضر در کنگره قرار گرفت .

مرامنامه حزب کمونیست افغانستان در سه قسمت (مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم - انقلاب دموکراتیک نوین - استراتیژی جنگ خلق) پس از آنکه جزء به جزء و قسمت به قسمت مورد تأیید و تصویب قرار گرفت (باتفاق آراء) یکبار دیگر بصورت یک کل (مرامنامه حزب کمونیست افغانستان) مورد تأیید و تصویب قرار گرفت (باتفاق آراء) .

اساسنامه حزب کمونیست افغانستان .

فصل اول اساسنامه (اساسات ایدئولوژیک - سیاسی حزب کمونیست افغانستان) شامل پنج ماده که در صفحه اول و دوم مسوده تصریح گردیده با تصحیحات و اضافات لازمه مورد تأیید قرار گرفته و باتفاق آراء تصویب گردید .

جلسه روز چهارم (مورخ ۳ می ۱۹۹۱) ساعت ۹ / ۰۰ شب به پایان رسید .

جلسه روز پنجم (مورخ ۵ می ۹۹۱) به اشتراک تمامی رفقا به ساعت ۷ : ۴۰ صبح آغاز گردید

فصل دوم اساسنامه (اصول تشکیلات) که از صفحه دوم شروع شده الی صفحه چهارم مسوده جمعاً شامل چهار ماده می شود به اتفاق آراء مورد تأیید و تصویب قرار گرفت .

فصل سوم (ساختمان تشکیلاتی) از صفحه چهارم الی صفحه هفتم مسوده شامل هفده ماده با تصحیحات لازم مورد تأیید و تصویب قرار گرفت .

فصل چهارم (ارگان مرکزی حزب و سایر نشریه ها) که شامل یک ماده (ماده ۲۷) می باشد به اتفاق آراء مورد تأیید و تصویب قرار گرفت .

فصل پنجم (در فاش) - در مورد زمین سفیددرفش واینکه چرا این زمین سفید می باشد بحث های مفصلی توسط رفقا " ضیاء " و " جیحون " صورت گرفته و نیز بحث های تأیید کننده ای درین مورد توسط رفقا " فروتن " ، " جاوید " و " علی " صورت گرفت رفقا " پردل " و " هوشنگ " طرح دیگری برای رنگ درفش داشتند . طرح آنها این بود که درفش رنگ سرخ داشته باشد اما سرخی آن در تمام قسمت های یک حالت نداشته باشد . قسمت سمت چپ که در آن ستاره سرخ قرار دارد سرخ کمرنگ و بعد بصورت عادی کمی تیره شود و قسمت انتهایی سمت راست سرخ پررنگ باشد .

در ختم مباحثات زمین سفید با دورای مخالف (هوشنگ و پردل) و نه رای موافق برای درفش مورد تأیید و تصویب قرار گرفت . ستاره سرخ و جایگاه آن در درفش به اتفاق آراء مورد تأیید و تصویب قرار گرفت . * * * *

فصل ششم (عضویت) - که از صفحه نهم تا صفحه یازدهم مسوده شامل هفت ماده می شود با تصحیحات لازم به اتفاق آراء مرود تأیید و تصویب قرار گرفت .

فصل هفتم (اقدامات انضباطی) - که از صفحه یازدهم تا دوازدهم مسوده از ماده سی و ششم تا ماده چهل و ششم جمعا یازده ماده می شود با تصحیحات و اضافات لازم در متن مسوده مورد تأیید و تصویب قرار گرفت . (به اتفاق آراء) .

اساسنامه حزب کمونیست افغانستان پس از تصویب جزء به جزء و فصل به فصل ، یکبار دیگر بصورت یک کل (اساسنامه حزب کمونیست افغانستان) به اتفاق آراء مورد تأیید و تصویب قرار گرفت .

با وجود اینکه کنگره روی مرامنامه و اساسنامه حزب از تاریخ اول الی پنجم ماه می ۱۹۹۱ بحث نموده و هردوسند را مورد تأیید و تصویب قرار داد ، اما با تکیه روی اهمیت تاریخی اول ماه می فیصله گردید که تاریخ تصویب هر دوسند روز اول می دانسته شود. همچنان فیصله گردید که تاریخ سائر اسناد کنگره نیز اول ماه می دانسته شود .

جلسه روز پنجم ساعت ۴۵ / ۹ شب به پایان رسید .

جلسه روز ششم (مورخ ۱۹۹۱/۵/۶) ساعت ۱۵ / ۸ صبح به اشتراک تمامی رفقا آغاز گردید.

ضیاء - رفقا ! در طی پنج روز گذشته ما توانستیم بحث روی ماده اول اجندای جلسه کنگره را به پایان رسانده و مرامنامه و اساسنامه حزب کمونیست افغانستان را رسماً مورد تصویب

قرار دهیم . اینک پس از به پایان رساندن این گام بسیار اساسی وارد بحث روی دومین ماده اجندای جلسه کنگره می شویم . جواب صریح و روشن به سوال اساسی ایکه درین مرحله از کار کنگره مطرح است باید با اصولیت ، قاطعیت ، دوراندیشی و شجاعت ، در پیش گذاشته شود . سوال اساسی این است که آیا تشکیلات ما همچنان بنام " سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان " باقی بماند یا اینکه می تواند خود را " حزب کمونیست افغانستان " بخواند درین شکی نیست که حتی اگر تشکیلات ما نتواند خود را حزب کمونیست بخواند می تواند خود را یک " حزب در حال تشکل " بداند ، زیرا اکنون ما دارای یک مرامنامه و اساسنامه حزبی می باشیم که در هر حال به عنوان اسناد اساسی تشکیلات ما جای " اعلام مواضع سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان " و " آئین نامه مؤقت سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان " را گرفته است . ولی در صورتی که تشکیلات ما نتواند خود را حزب کمونیست افغانستان بخواند و بعبارت دیگر این کنگره نتواند حزب کمونیست افغانستان را تاسیس نماید ، در آنصورت مرامنامه و اساسنامه تصویب شده درین کنگره - ولو اینکه حیات تشکیلاتی سازمان ما و فعالیت های مبارزاتی آن در ابعاد مختلف بر آنها استوار باشد - بصورت اسناد پیشنهادی سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان در سطح جنبش کشور ارائه خواهد شد . ولی اگر ما در مباحثات همین مرحله فعلی کارکنگره به این فیصله برسیم که تشکیلات ما می تواند خود را حزب کمونیست افغانستان بخواند در آنصورت مرامنامه و اساسنامه تصویب شده دیگر اسناد پیشنهادی نخواهند بود بلکه اسناد تصویب شده نهایی در این کنگره خواهند بود . اگر چنین شود کنگره فعلی ، دیگر نه کنگره سازمان بلکه کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان خواهد بود .

من در مورد اینکه داشتن حزب نه تنها یک ضرورت اساسی بلکه یک ضرورت عاجل مبارزات انقلابی می باشد ضرورتی نمی بینیم مطالبی را مطرح نموده مورد بحث قرار دهم زیرا ما به قدر کافی درین مورد در سطح سازمان مباحثات مان را پیش برده ایم و مواضع ما درین مورد روشن بوده و مورد مناقشه هیچ رفیق قرار نخواهد داشت . بناء مستقیما وارد این مطلب که آیا ما می توانیم خود را حزب کمونیست افغانستان بخوانیم یا نه ، می شوم .

حزب به چند پیش شرط مهم ضرورت دارد . اولین پیش شرط داشتن ایدئولوژی روشن ، برنامه اصولی و مشی مدون است . ما هم اکنون این پیش شرط را در قلب " مرامنامه حزب کمونیست افغانستان " که درین کنگره رسما به تصویب رسانده ایم دارا می باشیم .

دومین پیش شرط داشتن یک تشکیلات لازم حزبی چه باید کردی لنینی هست . درین مورد آنچه مربوط به داشتن اصول و ضوابط تشکیلاتی مدون است هم اکنون این اصول و ضوابط در

قلب " اساسنامه حزب کمونیست افغانستان " در اختیار می باشد . همچنان به صراحت می توان گفت که ما هم اکنون یک بدنه تشکیلاتی لازم را در اختیار داریم که بتوانیم با تکیه بر آن هم اکنون بدنه تشکیلاتی ابتدایی حزبی را در اختیار داشته بحساب آوریم . علاوه بر این کادرها و فعالین که بتوانند به دور رهبری متمرکز حزبی متشکل شده و الزامات اولیه حزب و فعالیت های حزب را پوره نموده و پیش ببرند در اختیار ما قرار دارد . درین مورد حتی در صورتیکه رفقای بیرون از کنگره را اصلا بحساب نیاوریم کافی است به همین یازده رای موجود در کنگره اشاره نمائیم . هر یک از این یازده رفیق حد اقل تجارب تلخ و شیرین پانزده سال افت وخیز مبارزه انقلابی را دارا می باشند که مبارزات اصولی چند ساله هسته انقلابی کمونیست های افغانستان " املا - بخش مائوتسه دون اندیشه " و " سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان " در آن شامل می باشد . این سوابق مبارزاتی ما مسئله پیشبرد کار انقلابی در بین توده ها و تبلیغ و ترویج ایدئولوژیک - سیاسی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی را می تواند بخوبی در آن سطحی نشان دهد که الزامات حد اقل تاسیس حزب درین موارد را پوره نماید .

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان هم اکنون عضو جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است . این جنبش جایگاه شایسته بین المللی که برای اولین بار نصیب کمونیست های افغانستان گردیده است ، پایه بین المللی تاسیس حزب کمونیست افغانستان محسوب می شود .

پس چه چیزی مورد مناقشه است که ما بر اساس آن از همان ابتدا نتوانستیم و نخواستیم کنگره فعلی را کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان بدانیم ؟ این مسئله مورد مناقشه موجودیت و یا عدم موجودیت یک رهبری حزبی حرفوی ، متمرکز و مصمم به پیش برد امر خطیر رهبری حزب می باشد . درین جا منظور یک رهبری باتعداد زیاد افراد نیست بلکه یک رهبری پنج نفری و حتی یک رهبری سه نفری مورد بحث می باشد . آیا ما می توانیم چنین رهبری ای از هم اکنون در اختیار داشته باشیم یا نه ؟ من ترجیح می دهم فعلا درین مورد بیشتر صحبت ننمایم . ولی یک نکته رامی خواهم به صراحت بیان نمایم و آن اینست که حتی اگر رفقا درین کنگره فیصله نمایند که ما فعلا یک رهبری حزبی در اختیار نداریم و با احتساب این کمبود کنگره فعلی حزب را تاسیس ننمایم ، ما باید خود برای رفع این کمبود حزبیت اقدام نمائیم زیرا آن تجارب چند سال گذشته به روشنی نشان می دهد که این کمبود را نمی تواند از طریق فعالیت های کمیته انسجام و وحدت از میان برد .

کمیته انسجام وحدت فقط و فقط در مناسبات میان هسته انقلابی و املاء - بخش مائوتسه دون اندیشه توانست به میدانی برای یک کار و تلاش جدی و اصولی و مصمم مشترک مدون گردد که حاصل آن تشکیل سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان بود. ماغیرازاین یک مورد این کمیته هیچگاه نتوانست عملا به یک کمیته کارفعال و جدی و اصولی مبدل گردد زیرا که تبلیغ و ترویج و سازمان پیکار درطول مدت گذشته اززمان تشکیل این کمیته تا حال فعالانه وارد مباحثات و فعالیت های عملی مشترک در چوکات این کمیته نشده اند. این چیزی است که به نظر من نه اینها مایل به انجام آن بوده اند و نه توان داشته اند در آن وارد شوند.

چهار سال واندی قبل کمیته انسجام و وحدت توسط هسته انقلابی و کمیته تبلیغ و ترویج تشکیل گردید. اگر از جلسات مقدماتی ایکه نمایندگان هسته انقلابی و کمیته تبلیغ و ترویج در امریکا که منجر به صدور اعلامیه کمیته انسجام و وحدت متشکل گردید و پس از آن چند جلسه مقدماتی و غیر فعال دیگر را نیز در پی داشت بگذریم - نماینده کمیته تبلیغ و ترویج درطول مدت چهار سال و اندی قبل صرفا دو جلسه بحثی با ما داشته است. یک بار با من بعنوان نماینده هسته و بار دیگر بعنوان نماینده سازمان.

رفقا می دانند که هسته انقلابی نه تنها متن اعلامیه کمیته انسجام و وحدت را مورد انتقاد قرار داد بلکه به دلیل همین انتقاد نماینده خود را نیز از وظیفه نمایندگی سبک دوش نمود. کمیته تبلیغ و ترویج عملا این انتقادات را پذیرفت و در نتیجه اعلامیه مشترک در مورد کمیته انسجام و وحدت بنا به پیشنهاد هسته منتشر گردید. بدین جهت در واقع مجموعه جلساتی که در آمریکا به حساب کار کمیته انسجام و وحدت برگزار گردیده بود از اعتبار ساقط شد.

جلسه بحثی نمایندگان هسته انقلابی و کمیته تبلیغ و ترویج در خزان ۱۳۶۷ بنا به عجله نماینده کمیته تبلیغ و ترویج برای برگشت ناتمام باقی ماند و حتی سند موافقه آن که بعدا بنا به یک سلسله انتقادات اصولی از طرف هسته رد گردید نیز بنا به همین علت در یکی از هوتل های سر راه برگشت نماینده مذکور تهیه شد. نماینده کمیته تبلیغ و ترویج برای پیشبرد فعالیت های مبارزاتی مشترک و همکاری های عملی مشترک درین جلسه کوچکترین تمایلی از خود نشان نداد و لذا طرف هسته نیز ترجیح داد اصلا درین مورد وارد مباحثه نشود.

جلسه دیگر که میان نماینده سازمان و کمیته تبلیغ و ترویج خزان سال گذشته برگزار گردید صرفا برای سه روز دوام نمود اولاً نماینده کمیته تبلیغ و ترویج در اساس برای پیشبرد این وظیفه نیامده بود و ثانیاً نماینده کمیته تبلیغ و ترویج در جریان مباحثات به نحوی آزرده شد

که اعلام نمود می خواهد برگردد . (البته بدون اینکه هیچگونه نتیجه ای از جلسه معلوم شده باشد .) طرف سازمان فقط با اصرار و شاید هم بنابه تصادف پس افتادن یک روزه پرواز طیاره توانست برای یکروز دیگر جلسه را ادامه دهد . بحث مهم نماینده کمیته تبلیغ و ترویج این بود که چرا سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان در اعلامیه کارزار سه ماهه جریده یورش را شامل جنبش نوین کمونیستی دانسته است . وی درین مورد حساسیت شدید توام با عصبانیت از خود نشان می داد . علاوه تابیکی از رفقای حاضر در جلسه رفیقی غیر از نماینده سازمان بصورت بسیار بیموردی زمینه پر خاش را مساعد ساخت . البته برخورد رفیق ما برخورد نادرستی بود ولی زمینه این برخورد نادرست را در قدم اول نماینده کمیته تبلیغ و ترویج با برخورد نادرست خودش فراهم ساخت .

بهر حال روحیه کمیته تبلیغ و ترویج در طول سالهای گذشته این بوده است که فعالانه وارد مباحثه و فعالیت های مشترک عملی نگردد و پروسه وحدت به آهستگی حرکت نماید ، بعد از چند مدتی روی یک ورق توافقاتی صورت گیرد تا بتوان از آن بعنوان یک ورق تبلیغاتی استفاده نمود . کمیته تبلیغ و ترویج در واقع عملا و نظرا ایجاد حزب را نه یک ضرورت عاجل بلکه یک پروسه درازمدت می داند . عملا چنین بوده و موضع شعله شماره دوازدهم نیز چنین است .

سازمان پیکار فقط با هسته انقلابی در چوکات کمیته انسجام و وحدت مبارزاتی انجام داد و یک بار با پرداخت سه هزار روپیه پاکستانی در یک فعالیت مشترک نشراتی (پخش اسناد " جا آ " در پنجمین سالگرد تشکیل آن) کار مشترکی با هسته انجام داد . حاضر نشد با املا - بخش مائوتسه دون اندیشه را بطه برقرار نماید و حتی نامه رسمی آنرا بدون جواب باقی گذاشت . سازمان پیکار پس از تشکیل سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان حاضر نشد با آن رابطه بگیرد و در واقع رسما رابطه اش را در سطح کمیته انسجام و وحدت نیز قطع نمود . آنچه مربوط به جوانب تئوریک انتقادات ما بر مواضع کمیته تبلیغ و ترویج و سازمان پیکار می گردد اشاره به مباحث سنگر شماره دوم و شماره اول کافی است و ما درینجابه آن نخواهیم پرداخت .

گذشته ازینها تاحال تمامی افراد مربوط به کمیته تبلیغ و ترویج در اساس مصروف کار و بار و زندگی شخصی شان بوده اند و نتوانسته اند در عمل نشان دهند که مصمم به پیشبرد مبارزات انقلابی حرفوی می باشند و این جرئت را دارند که در بریدن از زندگی و نقشه های شخصی شان به مهابا در دریای انقلاب غوطه ور شوند .

بنا به این دلایل است که اگرما کمبودی هم برای تاسیس حزب داشته باشیم باید خوددر صد رفع آن برآئیم نه اینکه به امید از میان بردن این نقیصه از طریق فعالیت های کمیته انسجام و وحدت باشیم . در صورت عدم تاسیس حزب البته روشن است که کارکمیته انسجام و وحدت با کمیته تبلیغ و ترویج به نحوی ادامه خواهد یافت ، اما ما نباید روی آن تکیه عمده نمائیم بلکه باید تکیه عمده ما روی کار خودما باشد .

درین مورد فعلا همین قدر صحبت را کافی می دانم . رفقای دیگر صحبت نمایند . امید وار هستم تمام رفقا درین بحث فعالانه سهم بگیرند.

جیحون - حزب کمونیست چه باید کردی ای که لنین مطرح می نماید ، در آن نقش اساسی از لحاظ تشکیلاتی همانابه موجودیت دسته ای از انقلابیون حرفوی تعلق دارد که بلافاصله کاریکدیگر را دنبال نموده وبا اعتماد متقابل رفیقانه روحیه رهبری متمرکز حزبی را به نمایش گذارند . به یقین در آوان شکل خود یک حزب خیلی کوچک خواهد بود .

در حالیکه برخورد در این جریان دموکراتیک نوین بعد از پاشیدن سازمان جوانان مترقی ، تکیه روی ضرورت یک چنین حزبی نبود بلکه به حزب از موضع اکونومیستی برخورد صورت می گرفت . مواضع عدیده انحرافی بجای اینکه روی ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی (در آن زمان مائوتسه دون اندیشه) تکیه نموده و ازین دیدگاه مبارزه علیه خرده کاری و گروه گرایی و فعالیت جریانی را با ارائه برنامه اصولی و روشن و مشی روشن به پیش برند، در متحد ساختن جنبش به دوصورت عمل نمودند . در یک صورت این امر قالب فعالیت جبههوی بخود گرفت که اساس آنرا همانا موافقه روی مسایل سیاسی ، عمدتا مبارزه علیه کودتای هفت ثور و بعدقوای متجاوز احتوانمود که در فرجام تعیین وحدت های سیاسی بنا بر کم بهادادن به اساس ایدئولوژی م . ل . م منجر به ازهم پاشیدن شد. درین مورد حرکت همانا حرکت جریانی می باشد. آنهای که هم خواهان ایجاد حزب کمونیست شدند ، صرفنظر ازینکه از لحاظ موضع گیری ایدئولوژیکی و سیاسی به انحراف غلطیده بودند ، حرکت شان در جهت تامین وحدت و ایجاد حزب همانا متکی بر روحیه وحدت جریان کبیر شعله جاوید یا حد اقل بخش اعظم آن بود .

خلاصه اینگونه بینش ها مانع از آن شدند که تجارب تلخ مورد ارزیابی قرار گرفته و علل شکست ها روشن ساخته شوند . برعکس علل شکست ها در بی اتفاقی شعه ای ها خلاصه شد . اینکه این باصطلاح بی اتفاقی یک نقیصه بوده و الحال هم یک نقیصه می باشد ، شکی در آن وجود ندارد . ولی این فکر که حزب فقط و فقط وقتی ساخته می شود که این جریان وحدت خود را باز یابد به غایت نادرست و انحرافی می باشد .

باوجودیکه کمیته انسجام و وحدت در اساس هیچگاه از چنین دیدی (دید جریانی) حرکت نکرده است ولی با آنهم اثراتی ولو جزئی از این برخوردار داشته است. اینگونه تمایل جریانی در وجود رفقای سازمان باعث آن می شود که بجای تکیه روی مبارزات اصولی خویش و درک اهمیت عظیم این مبارزه بازهم به امید واهی ای به انتظار بنشینند. برای اینکه چنین نشود باید با تاکید بیان نمود که اگرچنانچه ما برای تاسیس حزب کمونیست افغانستان دچار کمبودی باشیم برای ازمیان بردن آن دیگر نباید به نقش کمیته انسجام و وحدت بصورت عمده تکیه نمائیم بلکه بصورت عمده روی خود سازمان و رفقای سازمانی تکیه صورت بگیرد. ضمن تأیید گفته های رفیق ضیاء، یکبار دیگر تاکید می نمایم که یگانه مطالب مورد مناقشه در تاسیس حزب کمونیست افغانستان مسئله مربوط به رهبری حرفوی حزبی است که شجاعانه مسئولیت های رهبری حزب را پذیرفته بتواند و قادر باشد که حزب را در مبارزاتش رهبری نماید.

عطیت - شما رفقا (منظور ضیاء و جیحون است) چرا نظر تانرا درین مورد صریحا بیان نمی نمائید.

جیحون - نظرات من و رفیق ضیاء کاملا روشن بیان گردید. شما چه عدم وضاحتی می بینید؟ عطیت - در مورد اینکه ما می توانیم رهبری حزبی داشته باشیم یا نه؟ جیحون - اولاً لازم است این مسئله روشن ساخته شود که آیا رفقا در مورد اینکه فقط همین یک مسئله است که می تواند مورد مناقشه باشد یا اینکه مسایل دیگری نیز میتواند وجود داشته باشد، موافق هستند یا خیر؟

عطیت - به نظر ما همین یک مسئله نیز حل می باشد.

جیحون - منظور از ما کی ها اند؟ چرا شما فقط در مورد رای خود تان صحبت نمی نمائید؟ عطیت - با توجه به انتقادات قبلی مطرح شده توسط رفیق ضیاء در مورد حرکت های معین رفیق عطیت، وی انتقاد رفیق جیحون را پذیرفت. عطیت توضیح داد که منظور وی از ما تمام نمایندگان واحد تشکیلاتی منطقه شماره دوم سازمان است.

ضیاء - رفقا پردل و هوشنگ درین مورد چه نظر می دهند؟

پردل - من، رفیق هوشنگ و رفیق عطیت با این احساس که در کنگره مؤسس حزب شرکت می نمائیم به اینجا حاضر شده ایم. ما باید حزب را درین کنگره تاسیس نمائیم. از بابت رهبری نیز کمبود نداریم. اگر درین کنگره حزب تاسیس نشود این ترس می تواند وجود داشته باشد که اجرای این امر سترگ بازهم سالهای سال به عقب بیفتد. ما که هر وقت نمی توانیم کنگره برگزار نمائیم.

هوشنگ - بلی درست است . مضمون ایدئولوژیک - سیاسی تاسیس حزب یعنی مرامنامه درین کنگره مورد تصویب قرار گرفته است و برعلاوه اساسنامه حزبی تصویب شده نیز فعلا در اختیار داریم . درمورد رهبری حزبی نیز رفقا باید جدا تصمیم بگیرند . فروتن - شما (اشاره به رفیق هوشنگ) می توانید مسئولیت شمول در رهبری حزبی را بپذیرید .

هوشنگ - من خودم را درین سطح از صلاحیت نمی بینم .
فروتن - پس چه کسانی می توانند این مسئولیت را پذیرا شوند ؟
هوشنگ - مجموع رفقای شامل در مرکزیت مؤقت سازمان .
فروتن - این یک امر مشکلی است . کار سازمان با کار حزب فرق دارد .
ضیاء - بهتر است رفیق فروتن نظرات خودش را بیان نماید .
فروتن - مسئله رهبری حزبی نه تنها مورد مناقشه بلکه یک مسئله حل نشده است . ما تا زمانیکه این مسئله را کاملا حل نکنیم نمی توانیم حزب کمونیست افغانستان را تاسیس نمائیم . بحث های دیگر شما (منظور ضیاء است) و رفیق جیحون درست است .
علی - ما باید برای ساختن یک جمع رهبری کننده حزبی تلاش نمائیم . فعلا این مسئله کاملا نشده است . اگرما حزب رادرهمین کنگره تاسیس نمائیم در آینده از لحاظ رهبری حزب دچار مشکلات خواهیم شد . درمورد مباحث دیگر که توسط رفیق ضیاء و رفیق جیحون مطرح شدن مخالفتی ندارم .

جاوید - مباحث مطرح شده توسط رفقا کاملا درست است . درمورد رهبری حزبی من به صراحت می گویم که به نظر من حد اقل درمورد صلاحیت دور رفیق (اشاره به رفیق ضیاء و جیحون) برای رهبری حزب هیچیک از ما مخالفتی نداشته باشیم . من درمورد بعضی از رفقای حاضر در جلسه و سه رفیق از منطقه شماره چهارم که رای شان درین کنگره موجود است آن چنان شناختی ندارم که بتوانم درمورد شان حکم نمایم . ولی اگرما از میان مجموع رفقای دیگر سه نفر برای رهبری حزبی تامین نتوانیم باعث تاسف خواهد بود .

پردل - سه نفر مورد ضرورت نیست . فقط یکنفر دیگر مورد ضرورت است .
جاوید - بله نظر شما درست است . حال رفقا همین یک فرد دیگر را سراغ ندارند ؟
فروتن - نه ، چه کسی می تواند باشد ؟

علی - با تکیه بر دونفر برای رهبری نمی توان حزب را تاسیس نمود . به نظر من باید حد اقل یک جمع پنج نفری برای رهبری حرفوی موجود باشد .

ضیاء - من فکر می‌کنم مسئله برسر پنج نفر نیست. اصل مسئله این است که اگر ما به استثنای موجودیت یک رهبری قادر به پیشبرد امور رهبری حزب توانسته ایم تمام شرایط و پیش شرط های تاسیس حزب را فراهم نمائیم، باید مسئله رهبری را نیز بتوانیم حل نمائیم. مسئله این است که اگر ما این چنین رهبری را فعلا موجود داشته باشیم چگونه پیش شرط های دیگر تامین شده است؟ آیا مبارزه برای تامین پیش شرط های دیگر بدون رهبری صورت گرفته است. منطقی است که پیش شرط های دیگر تامین شده است، آن رهبری ای که این امر را هدایت کرده است، اجمالا می‌تواند و باید رهبری حزب را بدست بگیرد.

فروتن - اجمالا درست است، ولی باید مشخصا نیز روشن ساخته شود.

جیحون - منظور از اجمالا این نیست که این مسئله نباید بصورت مشخص مورد بحث قرار بگیرد. قضیه ازین قرار است که ما بدنه تشکیلاتی داریم، دسته کادرها و فعالین داریم، اساسنامه حزبی داریم، مرامنامه حزبی داریم، پشتوانه جنبشی بین المللی داریم، روی هم رفته کتله های هواداران دورونزدیک داریم و بر علاوه همین جمع موجود را داریم که بصورت دسته جمعی مرامنامه و اساسنامه حزب را تصویب نمودند. این مسایل را رفقا چگونه بررسی می‌نمایند.

فروتن - تدوین مرامنامه و اساسنامه حزب در اساس کاریکی دونه بوده است. نقش سایر رفقا بی اهمیت است.

جیحون - هیچگاهی تمامی رفقا نقش یکسان و توانمندی یکسان نمی‌توانند داشته باشند. ولی نقش کمتر بعضی از رفقا به معنی بی اهمیت بودن نقش آنها نیست. تعداد زیادی از رفقا نه تنها در جریان کار این کنگره بلکه در جریان نظرخواهی های قبلی در مورد متن مرامنامه و اساسنامه، در تدوین نهایی این دوسند اساسی فعالانه سهم گرفته اند. این مسئله را نباید یک مسئله بی اهمیت تلقی نمود.

جاوید - نظر رفقای مرکزیت مؤقت سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان بصورت مشخص چگونه می‌باشد؟

ضیاء - تاجای که به من و رفیق جیحون مربوط است نظر ما درین مورد مشخص است. در واقع فیصله نهایی بر عهده همین جلسه است و هر طوریکه تصمیم بگیرند، درست است. جاوید - منظور تان را درست نفهمیدم.

ضیاء - ببینید رفقا. ما برای تاسیس حزب تمامی پیش شرط های لازمه را در اختیار داریم. مرامنامه و اساسنامه حزبی داریم، بدنه تشکیلاتی و دسته کادرها و فعالین داریم، یازده رای موجود در کنگره، هر کدام از سوابق مبارزاتی انقلابی حد اقل پانزده ساله برخوردارند و

تجارب مبارزاتی تلخ و شیرین زیادی دارند ، کتله های هواداران داریم که در واقع همان پایه توده ای است ، عضویت در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی تامین است یعنی بی پشتوانه وبی سجل و سوانح نیستیم و بالاخره مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی و تبلیغ و ترویج مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی لب و لباب خود را در تدوین مرانامه و اساسنامه حزب به روشنی نشان می دهد . حالا تمامی این پیش شرط ها نه بصورت خود بخودی بلکه تحت هدایت رهبری ایکه داشته ایم بدست آمده است ، پس مسئله رهبری نیز منطقا نمی تواند حل نشده باشد . ولی آنچه می باشد که در امر تاسیس حزب بصورت عام و در امر رهبری حزبی بصورت خاص حل نشده است مسئله آمادگی است . مسئله رهبری فقط و فقط ازین زاویه می تواند یک مسئله مورد مناقشه باشد . اگر این جلسه تصمیم بگیرد حزب را تاسیس نماید و رفقای معینی تصمیم بگیرند قاطعانه در امر رهبری حزب سهم بگیرند، مسئله حل است و هیچ مورد برای مناقشه و مجادله وجود ندارد . چیزی را که می خواهیم فعلا صریحا به رفقا بگویم این است که در پیشنهادات ارائه شده به کنگره عمدا مسئله " حزب در حال تشکل " و " حزب کمونیست افغانستان " مطرح شده است تا یکبار دیگر میزان آمادگی ما در تقبل مسئولیت تاسیس حزب به ارزیابی گرفته شود.

جیچون - بلی درست است . رفیق گونزالو گفته معروفی دارد . وی میگوید که " در امر انقلاب مسئله برسر تعداد و کمیت نیست بلکه بر سر آمادگی و تصمیم برای شروع کردن است . " اگر ما مصمم به تقبل مسئولیت برای تاسیس حزب باشیم مسئله تعداد در هر سطحی از روابط ما - منجمله در سطح رهبری نمی تواند مانع تاسیس حزب تلقی گردد . فقط همین قدر کافی است که حد اقل پیش شرط ها - منجمله در رهبری - تامین باشد . در جنبش کشور ما کمیت گرایی دائما مانع تشکیل حزب گردیده است .

ضیاء - در عین حال یک قضیه دیگر که در رابطه با تاسیس حزب می تواند وجود داشته باشد ، مسئله امنیتی است . در واقع رفقا باید این مسئله را نیز باید مدنظر بگیرند که آیا ما از آن آمادگی های لازمه برخوردار می باشیم که بتوانیم خطرات امنیتی ناشی از اعلام موجودیت حزب را دفع نمائیم ؟

فروتن - ما این آمادگی را نداریم .

هوشنگ - این مسئله یک مشکل جدی است باید در نظر گرفته شود .

پردل - حل مسایل امنیتی امکانات می خواهد و مافعلا چنین امکاناتی نداریم . باید امکانات فراهم گردد .

علی - در این مورد حزب ویا غیر حزب برای من فرقی نمی نماید. ما تا حال بنام شعله ای کشته شده ایم و بعد از این نیز بنام شعله ای کشته خواهیم شد .

عطیت - مسئله خطرات امنیتی یک مطلب قابل تشویش است . باید خود سنجیده شود.

جاوید - بنظر من مسئله رهبری حل است . در پهلوی رفیق ضیاء و رفیق جیحون حد اقل یک نفر دیگر می توانیم پیدا نمائیم که یکجا با آنها کار نماید ، ولو اینکه علی العجاله نتواند باندازه آنها سهم و نقش داشته باشد . اما در مورد مسایل امنیتی باید بگوئیم که ما تا حال حزب نداشته ایم اما دشمنان ما هر وقت دست شان رسیده است ما را مورد حمله قرار داده اند . ما بنام " ساما " و " رهایی " نیز مورد حمله و تهاجم قرار گرفته ایم .

فروتن - اما در مورد حزب وضعیت فرق می کند . حزب بسیار جدی گرفته می شود و یقینا دشمنان سعی خواهند کرد آنرا در نطفه خفه کنند .

جاوید - ببین رفیق - حزب در حال تشکل هم جدی گرفته می شود ، مرامنامه و اساسنامه پیشنهادی هم جدی گرفته می شود ، عضویت در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی بنام سازمان و یا حزب نیز جدی گرفته می شود و بالاخره همین که ما بهر شکل و تحت هر نام دست به مبارزه انقلابی می زنیم نیز جدی گرفته می شود.

جیحون - بیائید رفقا این مسئله را بصورت مشخص مورد مباحثه قرار بدهیم . بنظر من فعلا اعلام موجودیت و تاسیس حزب از جانب رژیم کابل هیچگونه خطر امنیتی ایجاد نمی نماید . رژیم کابل فقط عمرش را دراز می نماید و فعلا در اساس متوجه خطرات احزاب اسلامی است که برایش تهدید بالفعل و مستقیم بشمار می رود . ازین جهت رژیم بنا به وضعی که در آن گرفتار است برای ما خطرات امنیتی ایجاد نخواهد توانست . حتی اگر بخواهد چنین خطراتی ایجاد نماید امکاناتش بسیار محدود است . اخوانی ها در حال حاضر اساسا متوجه طرفداران ظاهر خان هستند که رقیب بالفعل شان بشمار می رود . میان خود شان نیز مشکلات و پرابلم های بیشماری دارند و روزانه همدیگر را می کشند و به قتل می رسانند . در هر حال مشکل درجه اول شان را حزب کمونیست نخواهد ساخت . احزاب اسلامی سگانه در قسمت اقدامات تروریستی اساسا ناتوان اند و نمی توانند بکدام اقدام جدی علیه ما دست بزنند . احزاب و سازمان های اسلامی شیعه مذهب نیز ناتوان هستند و فکر نمی نمایند تا زمانیکه ماعلا به اقدامات وسیع و عملی در منطقه دست نزنیم برای ما بتوانند خطرات شدید ایجاد نمایند زیرا که از یک جانب بین خود سخت دچار مشکلات هستند ، از جانب دیگر در رابطه با مردم سخت به مشکلات افتاده اند و دیگر اینکه عملا ناتوان از وارد آوردن ضربات خطرناک بر ما می باشند . بناء خطرات امنیتی وجود دارد و قطعاً وجود دارد، وی آن چنان نیست که به محض

اعلام موجودیت حزب تمامی دشمنان ما سایر مشکلات و جنجال های شان را بیک اتفاق کنار می گذارند و همگی علیه ما متحدانه به تهاجم اقدام می نمایند.

جاوید - فرض کنید مشکلات امنیتی بزرگ وجدی نیز باشد . اگر حزب ضرور است و پیش شرط های تاثیر آن نیز تامین شده است ما نباید در تاسیس حزب درنگ نمائیم . تاسیس نکردن حزب به حساب خطرات امنیتی هیچ معنی دیگری نمی تواند داشته باشد جز اینکه " ما می توانیم حزب کمونیست را تاسیس نمائیم اما به دلیل ترسیدن از خطرات آن دست به این کار نمی زنیم .

سایر رفقا بحث را ادامه نمی دهند

ضیاء (پس از یک مکث یکی دودقیقه ای در جلسه) - پس ما می توانیم در این کنگره حزب کمونیست افغانستان را تاسیس نمائیم .

جیحون - بهتر است رای گیری شود .

ضیاء - خیلی خوب - رفقای که با تاسیس حزب کمونیست افغانستان در این کنگره موافق هستند دست های شان را بالا کنند .

رفقا " جاوید " ، " پردل " ، " علی " ، " فروتن " ، " هوشنگ " ، " عطیت " ، " جیحون " و " ضیاء " دستان شان را بلند می کنند .

ضیاء - رفقای که با تاسیس حزب کمونیست افغانستان موافق نیستند و می خواهند فرمول بندی " حزب در حال شکل " مورد تصویب قرار بگیرد دستان شان را بلند کنند .

هیچ دستی بلند نمی شود .

ضیاء - مسئله تاسیس حزب کمونیست افغانستان با توافق آراء مورد تصویب قرار گرفت . این تصویب به این معنی است که ما دیگر از هم اکنون با ساسی ترین سلاح انقلابی دست یافته ایم . در عین حال این تصویر به این معنی است که کنگره حاضر ، کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان است و ما در مرحله سوم کار خود ، کمیته مرکزی حزب کمونیست افغانستان ، اولین کمیته مرکزی اولین حزب کمونیست افغانستان را انتخاب می نمائیم . اصولیت بزرگی در تقبل شجاعانه مسئولیت خطیر تاسیس حزب کمونیست افغانستان توسط یازده رای حاضر در جلسه نهفته است ، اصولیتی که پاسداری خون شهدای جنبش کمونیستی را واز آن مهمتر و در اساس مسئولیت پذیرش امر کبیر رهبری انقلاب کشور را در جوهر خود دارا می باشد .

به این ترتیب بعد از یک بحث طولانی که از ساعت ۱۰ / ۸ صبح آغاز شد و تا ساعت ۱ بعد از ظهر ادامه یافت رفقا با آگاهی تام و تمام وقاطعیت کمونیستی فیصله نمودند که تمام شرایط

لازم برای ایجاد حزب کمونیست افغانستان را سازمان دارا بوده ، نباید در تقبل این مسئولیت دچار تردید گردد . لذا دیگر سازمان نه به حزب در حال تشکل بلکه به حزب کمونیست افغانستان ارتقاء نموده و بعد از این حزب کمونیست افغانستان می باشد .

ایجاد حزب کمونیست افغانستان یک تحول کیفی تاریخی در مبارزات بیش از بیست و پنج ساله جنبش کمونیستی افغانستان است . تمامی رفقای شرکت کننده در جلسه و سه رای انتقالی به رفقا " ضیاء " ، " جیحون " تعهد می سپارند که با تمام نیرو و توان در پیشبرد رسالت سترگ مبارزات انقلابی کمونیستی کوشا بوده و در تقبل مسئولیت های مبارزاتی کوتاهی ننمایند .

تعهد فوق مورد تأیید تمامی رفقا قرار گرفت .

بعد از تصویب تاسیس حزب کمونیست افغانستان ، رفیق ضیاء در حالی که مرامنامه و اساسنامه حزب را در دست چپ خود گرفته بود از جایش بلند شد ، در میان حلقه رفقا ایستاد و دست راست خود را بالای مرامنامه و اساسنامه گذاشت . همه رفقا همراه با وی به پا ایستادند و دست های راست شان را بالای مرامنامه و اساسنامه حزب گذاشتند . در چنین حالتی در حالی که حالت تمامی رفقا منقلب شده بود ، رفیق جیحون خطاب به رفقا بیان نمود : رفقا ! با سوگند کمونیستی همه ما تعهد بسپاریم که در راه تعیین شده تاپای جان برزمیم . همه رفقا گفته رفیق جیحون را تأیید کردند .

ادای تعهد مجدد حالت رفقا را شدیداً منقلب ساخت ، اشک ها سرازیر شد و بنابه موجودیت حالت منقلب به رفقا کار جلسه تقریباً برای مدت دوساعت توقف نمود .

جلسه ساعت سه و نیم بعد از ظهر مجدداً بکار آغاز نمود .

- مقدم مرامنامه حزب کمونیست افغانستان ، با فرمول بندی " حزب کمونیست افغانستان " و اعلام تاسیس حزب به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت و فرمول بندی " حزب در حال تشکل " کاملاً از آن حذف گردید .

- بنا به پیشنهاد رفیق ضیاء ، " بخاطر کسب آمادگی های بیشتر توسط تمامی رفقای حزبی جهت جواب گویی به چلنج های بعد از اعلام علنی موجودیت و تاسیس حزب و نیز بخاطر رعایت مسایل امنیتی و نیز کسب آمادگی های لازم برای مقابله با خطرات امنیتی احتمالی ، فیصله گردید که تا ماه میزان ، مسئله تاسیس حزب یک مسئله درونی باقی بماند و علناً اعلام نگردد این فیصله در عین حال به این مفهوم است که اولین شماره ارگان مرکزی حزب یعنی " شعله جاوید " در ماه میزان باید منتشر گردد . این فیصله به اتفاق آراء تصویب گردید .

کار روی ماده سوم اجندای جلسه کنگره یعنی انتخاب اعضای اصلی و علی البدل کمیته مرکزی حزب ساعت چهار بعد از ظهر روز ششم (مورخ شش مه) آغاز گردید .
روی تعداد اعضای اصلی و اعضای علی البدل کمیته مرکزی حزب صحبت های توسط رفقا پیش برده شد .

جاوید - یک ترکیب پنج نفری پیشنهاد نمود . سه نفر عضو اصلی و دونفر عضو علی البدل .
پردل - یک ترکیب نه نفری پیشنهاد نمود . پنج نفر عضو اصلی و چهار نفر عضو علی البدل .
علی - ترکیب پیشنهادی رفیق " جاوید " را تأیید نمود .
فروتن - یک ترکیب هفت نفری پیشنهاد نمود . پنج عضو اصلی . دونفر عضو علی البدل .
هوشنگ - ترکیب پیشنهادی رفیق " پردل " را تأیید نمود .
عطیت - ترکیب پیشنهادی رفیق " پردل " و رفیق " هوشنگ " را تأیید نمود .
جیحون (با دورای) - ترکیب هفت نفره پیشنهاد نمود . پنج نفر عضو اصلی ، دو نفر عضو علی البدل .

ضیاء (باسه رای) یک ترکیب یازده نفری پیشنهاد نمود پنج نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی البدل وی علت این پیشنهادش را چنین توضیح داد .

ببینید رفقا - ما همگی با آگاهی و تعهد پذیری کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان را برگزار نموده و حزب را تاسیس نموده ایم . بیائید همگی مسئولیت رهبری حزب را تا زمان دایر شدن دومین کنگره حزب مشترکا به پیش بریم . کسانی در سطح دفتر سیاسی ، کسانی در سطح اعضای اصلی کمیته مرکزی و کسانی هم در سطح اعضای علی البدل کمیته مرکزی . ما همگی باید در بین سطوح متفاوت درامر رهبری حزب تازه تاسیس شده سهم بگیریم . تا پنج سال دیگر چه تعدادی از ما زنده خواهند بود ؟ قطعاً نمی توان تضمین شده بیان داشت که همگی ما . امانتی را که با سوگند کمونیستی خود پذیرا شدیم ، پنج سال بعد از امروز باید به کنگره دوم حزب دسته جمعی تسلیم نمائیم ، یعنی تمامی آن تعدادی از ما که در آن موقع زنده باشیم . فقط بدینگونه می توانیم سوگند مانرا به روشنی متبلور سازیم .

تمامی رفقا این پیشنهاد را تأیید نمودند . تنها رفیق " علی " با این استدلال که وی خودش را ناتوان از شرکت امررهبری حزب میداند . اما سایر رفقا با تکیه برین نکته مرکزی که ما دامیکه رفقا مسئولیت تاسیس حزب را پذیرا شدند دیگر بطور قطع می توانند از صلاحیت شرکت در سطوح مختلف رهبری حزب برخوردار باشند ، وی را قناعت دادند که از مخالفت خود دست بردارد .

به این ترتیب این پیشنهاد که مجموع رفقای حاضر در کنگره و سه رفیق غائب که آراء شانرا به رفقای شرکت کننده در جلسه انتقال داده اند به حیث اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست افغانستان تعیین شوند، به این ترتیب که پنج نفر عضو اصلی کمیته مرکزی باشند و متباقی بحیث اعضای علی البدل تعیین شوند ، به اتفاق آراء مورد تصویب جلسه قرار گرفت .

ترتیب انتخابات برای تعیین اعضای اصلی کمیته مرکزی:

۱ - رفیق ضیاء اولین کاندید به صفت عضو کمیته مرکزی بود که به اتفاق آراء مورد تأیید و تصویب قرار گرفت .

۲ - رفیق ولی ، که رای خود را به رفیق ضیاء انتقال داده بود ، از جانب رفیق ضیاء با توضیح خصوصیات آن به صفت عضو اصلی کمیته مرکزی کاندید شد که به اتفاق آراء مورد تأیید و تصویب قرار گرفت .

۳ - رفیق جیحون خود را به صفت عضو اصلی کمیته مرکزی کاندید نمود که به اتفاق آراء مورد تأیید و تصویب قرار گرفت .

۴ - رفیق فروتن خود را به صفت عضو اصلی کمیته مرکزی کاندید نمود که به اتفاق آراء مورد تأیید و تصویب قرار گرفت .

۵ - رفیق عطیت خود را به صفت عضو اصلی کمیته مرکزی کاندید نمود که با نه رای موافق و دورای مخالف مورد تأیید و تصویب قرار گرفت. آراء مخالف متعلق به رفیق جاوید و رفیق پردل بود.

علیرغم روشن شدن نتیجه رأی گیری در مورد رفیق عطیت ، رفیق جاوید همچنان روی نظر مخالفش پا فشاری نمود و یاد آور شد که به نظر وی پنجم عضو کمیته مرکزی باید رفیق هوشنگ باشد . اما این نظر از رفیق " ضیاء " با توجه به روشن بودن نتیجه رأی گیری رد شد - که مورد تأیید سایر رفقا قرار گرفت . همچنان خود رفیق هوشنگ نیز در مورد تقبل این مسئولیت اظهار ناتوانی و عدم آمادگی نمود.

به این صورت بامعین شدن اعضای اصلی کمیته مرکزی حزب، سایر رفقا هر یک - هوشنگ ، علی، پردل، جاوید، واحدوثریا به اتفاق آراء بحیث اعضای علی البدل کمیته مرکزی حزب تعیین شدند .

پس از پایان یافتن کار انتخابات برای کمیته مرکزی به اتفاق آراء فیصله گردید که کنگره قطعنامه خود را تصویب کند و نیز پیامی به کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی بفرستد و قطعنامه ای در مورد حمایت از جنگ خلق در پرو تصویب نماید .

کارجلسه روز ششم ساعت شش بعد از ظهر پایان یافت .

جلسه روز هفتم (مورخ هفت ماه مه) ساعت ۵۰ / ۷ صبح آغاز گردید .

مسوده قطعنامه کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان " که توسط رفیق ضیاء " با مشاوره رفیق " جیحون " تهیه شده بود ، توسط رفیق ضیاء در جلسه قرائت شد . قطعنامه پس از جرح و تعدیلات جزئی در متن مسوده پیشنهادی به اتفاق آراء مورد تأیید و تصویب قرار گرفت .

بنا به پیشنهاد رفیق ضیاء و اتفاق آراء جلسه فیصله به عمل آمد که کمیته مرکزی از سوی کنگره ، قطعنامه درمورد حمایت از جنگ خلق در پرو نامه کنگره به کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را تهیه نماید . این فیصله بخاطر رفع خطرات امنیتی ناشی از طولانی شدن جلسات کنگره اتخاذ گردید .

کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان ساعت ده قبل از ظهر روز هفتم کارکنگره (روز هفتم ماه مه) به پایان رسید .

ختم کار کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان با شعارهای زیرین اعلان شد :

به پیش درراه برپایی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان
به پیش درراه انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی
به پیش در راه کمونیزم
یا مرگ یا پیروزی

" کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان "

۱۹۹۱ / ۵ / ۷

مطابق به فیصله کنگره

۱۹۹۱ / ۵ / ۱

* - در مورد اینکه چرا سند ارائه شده به کنگره " مرامنامه و اساسنامه حزب کمونیست افغانستان " خوانده شده است و نه " برنامه حزب کمونیست افغانستان " - که اسم متداول در جنبش ما بوده است - از طرف رفیق " فروتن " توضیح خواسته شد که از طرف رفیق " ضیاء " درین مورد ذیلا توضیح داده شد

سند ارائه شده به کنگره شامل سه فصل است : ۱ - ایدئولوژی (مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم) ۲ - برنامه سیاسی (انقلاب دموکراتیک نوین) و ۳ - مشی استراتژیک (جنگ خلق) . برنامه ها در اساس مربوط به مطالب مورد بحث در فصل سوم سند فعلی می باشند . البته این مطلب به این مفهوم نیست که در برنامه ها روی ایدئولوژی و مشی استراتژیک تکیه صورت نمی گیرد . اما حسب معمول در تمامی برنامه های که تا حال در جنبش کشور و حتی در جنبش بین المللی موجود بوده است مسایل مربوط به ایدئولوژی و مشی استراتژیک بصورت مباحث ضمنی در بطن برنامه سیاسی مطرح شده است . ما در سند ارائه شده به کنگره ، بنا به دلایل مختلف این کار را نکردیم . در واقع الزامات و ایجابات متعددی ، چه در سطح جنبش افغانستان و چه در سطح بین المللی ، باعث گردید که ما مباحث ایدئولوژی و مشی استراتژیک را کاملا بصورت فصول جداگانه در سند مطرح نمائیم . ازین جهت سند ارائه شده به کنگره باید " مرامنامه " خوانده شود زیرا که معنی محدود " برنامه " نمی تواند اسم مناسبی برای آن باشد . خلاصه اینکه برنامه در اساس معنی محدود سیاسی دارد در حالیکه مرامنامه علاوه بر جنبه های سیاسی ، جنبه های ایدئولوژی و استراتژی را مفصلا و مستقلا بیان می نماید .

* * - چهار رأی مخالفی که علیه عنوان مستقل " اهداف اجتماعی انقلاب " ابراز شد مبتنی بر مخالفت با مطالبی که ذیل این عنوان مطرح گردیده است نبود ، بلکه مبتنی بر مخالفت با عنوان مستقل برای این مطالب بود . پیشنهاد این چهار رأی مخالف این بود که مطالب متذکره در ذیل یک عنوان مستقل ، بلکه ذیل عنوان " اهداف فرهنگی انقلاب " و سایر عناوین گنجانیده شود .

* * - مخالفت رفقا " پردل " و " هوشنگ " علیه زمین سفید برای درفش مبتنی بر این مطالب بود که اولاً رنگ سفید رنگ صلح و یا سمبول صلح است و ثانیاً رنگ سرخ رنگی است که توسط جنبش بین المللی کمونیستی از ابتدا تا حال بصورت عموم مورد پذیرش و استفاده می باشد و سمبول انقلاب و کمونیسم است . پیشنهاد این رفقا در مورد زمین درفش برین

استدلال استوار بود که ما فعلا در جامعه ای که فقط نشانه های کم رنگ انقلاب در آن وجود دارد (زمین سرخ کم رنگ) مبارزه میکنیم و می خواهیم انقلاب دموکراتیک نوین را به پیروزی برسانیم (زمین دارای رنگ سرخ متوسط) و بعد بطرف انقلاب سوسیالیستی (زمین سرخ پر رنگ در انتهای درفش) پیش می رویم .

استدلال و پیشنهاد این رفقا توسط رفقا " ضیاء " و " جیحون " با بحث های کم و بیش مفصل و توسط سایر رفقا با اظهار نظر های و صحبت های نسبتا مختصر و کوتاه ذیلا رد گردید :
اولا رنگ درفش به مثابه یک اصل ایدئولوژیک - سیاسی هیچوقت مطرح نبوده و مطرح نمی باشد، هم در سطح بین المللی و هم در سطح افغانستان . رنگ درفش و ساختمان درفش سمبول مبارزاتی یک حزب یا سازمان سیاسی است که به آسان ترین وجهی هویت آن حزب و یا سازمان را بیان می نماید . ثانيا رنگ سرخ تنها رنگ مورد استفاده جنبش بین المللی کمونیستی نبوده و نمی باشد و هم اکنون درفش تعداد زیادی از کشورهای ارتجاعی دارای رنگ سرخ می باشد . مثلا سوئیس ، ترکیه ، مراکش و غیره ، که این درفش ها حتی درفش های مورد استفاده دسته های رویونیست نیز نمی باشد .

درفش دارای زمین سفید - که توسط جریان دموکراتیک نوین - برافراشته شد، اکنون دیگر تاریخا درفش مائوئیزم در افغانستان است و بطور عموم شناخته شده است . علم کردن درفش دارای زمین سفید حتی در همان سالهای دهه چهل نیز کاملا درست بود زیرا که به بهترین وجه و به آسان ترین وجهه در همان نظر اول مرز میان جریان دموکراتیک نوین و جریان رویونیستی دموکراتیک خلق را نشان می داد . اگر در همان زمان رهبری سازمان جوانان مترقی با مسئله رنگ درفش - که به هیچوجه یک مسئله مربوط به اصول نیست - برخورد دگماتیک می نمود و روی رنگ سرخ که قبلا توسط خلقی ها و پرچمی ها بر افراشته شده بود پافشاری می کرد به یقین وجه تمایز خود را در همان نظر اول به روشنی و صراحت نشان دهد و این در میان مردم خواهی نخواهی مشکلاتی - و شاید هم مشکلات بزرگ - از لحاظ تمایز با خلقی ها و پرچمی ها خلق می کرد . اما امروز که پس از کودتای ثور و تجاوز شوروی ، رنگ سرخ بصورت رنگ تسلیم در مقابل رژیم و در مقابل شوروی درآمده است ، آنهم نه بصورت محدود بلکه در سطح کاملا وسیع و در یک مدت زمان طولانی . ما باید در مسایلی که جزء اصولی نیستند باید انعطاف داشته باشیم و بصورت دگماتیک به آن اشکال و رنگ های نه چسپیم که در امر مبارزه نه سهولت بلکه برای ما مشکلات فراهم می آورد و شناخت ما را برای مردم نه آسان بلکه مشکل می سازد . اگر حزب یادرفشی دارای رنگ سرخ قد برافرازد ممکن است مدتها دشمنان ما را بنام خلقی ها و پرچمی ها سرکوب

نمایند و مردم نیز مدتها ما را بصورت درست نشناسند . درحالیکه رنگ سفید درفش دشمنان ما را مجبور می سازد که ما را با هویت خود ما موردتهاجم و حمله قرار دهند و مردم نیز در شناخت ما دچار سر درگمی و ابهام نخواهند شد . به این جهت فقط با رنگ سفید درفش است که در همان نظر اول هویت مانرا برای مردم معرفی خواهیم توانست و دشمنان مان را مجبور خواهیم ساخت که با نام خود و هویت خود ما را معرفی نمایند .

خود پیشنهاد رفقا نشان می دهد که آنها نیز نمی توانند زمین سرخ برای درفش پیشنهاد نمایند . ما مکلفیم آسان ترین راه ها را برای معرفی مان به مردم در پیش گیریم و پیشنهاد رفقا یعنی زمین سرخ و سفید برای درفش نیز ابهام ایجاد می نماید . برعلاوه چنین زمینی برای درفش نامأنوس و غیر معمول است ، آنچنان که حتی تکه آن باید بصورت اختصاصی و فرمایشی تهیه گردد و یا اینکه تکه هر درفش جدا گانه رنگ آمیزی شود .

* * * - فروتن - من قبول دارم که هرملیت باید حق تعیین سرنوشت خود را بدست خود داشته باشد . با وجود این اگر این حق منجر به برهم خوردن وحدت ملیت ها و تجزیه افغانستان شود ، در آنصورت به اتحاد پرولتاریا و دهقانان در مبارزه علیه امپریالیزم ، نیمه فیودالیزم و سرمایه کمپرادوری ضرر نمی رسد ؟

جیحون - وقتی از لحاظ اصولی وبعنوان یک اصل قبول نمائیم که هر ملت حق تعیین سرنوشت خود را دارد و وحدت بین ملتها باید بصورت داوطلبانه باشد ، نباید این اصل را با این موضوع که آیا درین جدائی منافع حزب کمونیست و پرولتاریای سایر ملیت های ساکن درین کشور می تواند مد نظر گرفته شود ، غلط نمائیم .

اگر منافع حزب کمونیست و کمونیست ها اجازه می داد از آن آزادی یعنی حق تعیین سرنوشت دفاع نمائیم و اگر نمی داد علیه آن ایستاده شویم . این چنین یک برخورد کاملا نادرست و انحرافی است . باید به صراحت بیان شده واین موضوع فهمیده شود حتی در صورتیکه این جدایی به ضرر حزب کمونیست نیز هم تمام شود بازهم در همان صورت حزب کمونیست مکلف است از حق تعیین سرنوشت ملل بدست خود شان دفاع نموده و به آن پابند باشد و با این چنین یک حرکت می توان اطمینان کامل برای وحدت داوطلبانه را فراهم نمود . درپهلوی این مسئله این نکته را باید بخاطر داشته باشیم که هیچ حزب کمونیست و هیچ کمونیست انقلابی خواهان آن نیست که وحدت پرولتاریا درمبارزه علیه ارتجاع و امپریالیزم خدشه دارشده و در آن شکاف و درز بوجودآید ولی این به هیچ صورت مانع از آن نمی شود که حق تعیین سرنوشت به مسایل دیگری مشروط و مقید گردد.

فروتن :

درین صورت فرق بین موضع اصولی حزب کمونیست که خود را انترناسیونالیست می خواند با ناسیونالیسم چه خواهد بود ؟ زیرا اگر همین حالا به اوضاع جاری مثلا در مناطق هزاره جات توجه نمائیم احزاب تشییع که چند سال پیش به مذهب تکیه بیش از حد می نمودند دیگر میلان ناسیونالیستی یافته و حق هزاره ها را مطرح می نماید . آیا ما حق داریم از مبارزه این احزاب که مرتجعین و آخوند ها در رهبری آن قرار داشته و بخاطر مقاصد خود توده های مردم را استعمال می نمایند دفاع و پشتیبانی نمائیم ؟

جیحون :

بلی ، کاملا حق داریم از خواسته های مطرح شده برای حقوق ملیت هزاره دفاع نمائیم، حتی باید ما بکوشیم از آنچه مطرح کرده اند بیشتر مطرح نمایند و جنبه های کمبود و انحرافی این خواسته ها را مورد انتقاد قرار دهیم . این شرط نیست که اگر حزب کمونیست در رهبری قرار نداشت دیگر نباید از حقوق حقه ای که مطرح شده است پشتیبانی ننماید ، بلکه جنبه های نادرست و انحرافی رهبری آن مورد انتقاد قرار گرفته و به فهماندن توده ها کوشیده شود که این رهبری ها چه انحرافاتی دارند و چگونه از تمایل توده ها در جهت تحکیم منافع طبقاتی خود استفاده می نمایند یعنی از طرح این خواسته های برحق برای خویش منحصا آله فشار برای کسب امتیاز استفاده می نمایند .

قسمت دوم سوال چه فرقی بین موضع ناسیونالیست ها و حزب کمونیست وجود دارد باید مختصرا عرض نمایم که اولاً ناسیونالیست ها نماینده بورژوائی ملت خود بوده و خواهان آنست که بعنوان طبقه حاکمه ملیت یا ملت خود درآید و خودش به تنهایی به تاراج ملیت مفروض اقدام نماید . ثانیاً آنها نمی خواهند مبارزه شان از چوکات همین ناسیونالیسم کورفراتر رود ، در حالیکه کمونیست ها مبارزه شان به هیچ صورت در این محدوده متوقف نمی شود و نه هم این محدوده عرصه عمده مبارزاتی آنها را تشکیل می دهد .

علی - در این صورت پس ما حق داریم همراه این احزاب ناسیونالیست همکاری نمائیم .

جیحون :

در اینجا مسئله همکاری یا بهتر است بگویم فعالیت پوششی و دنباله روانه در زیر چتر این احزاب مطرح نیست . دفاع اصولی از یک موضوع به هیچ صورت الزام آور این مطلب نیست که ما حق داریم همراه آنها همکاری نمائیم ولی وقتی اگر حزب توانست پایگاه های انقلابی ایجاد نماید احتمالا بسیاری یا بعضی از دسته ها و یا اعضای شامل در آنها به رویت طرح ها و عملکرد های حزب کمونیست یا حزب همکاری و عملا اتوریته و رهبری آنرا قبول نماید ولی

در شرایط فعلی درشرایطی که چنین پایگاه های وجود ندارد ، در شرایطی که یکی از وظایف مهم پیش پای ما تکیه روی فعالیت مستقل می باشد کوشش ما درین جهت باید باشد که هرچه بیشتر خود را مطرح نمائیم ونیروهایی را که دربین این احزاب فعالیت دارند به بیرون برآمدن از آنها تشویق و ترغیب نمائیم .

علی – وقتی احزاب تشییع ار خود مختاری هزاره ها صحبت می نمایند و کمونیست ها از حق تعیین سرنوشت ، چه فرقی بین این دو وجود دارد ؟

ضیاء :

درمسئله خود مختاری معمولا یک سلسله حقوق محدود ملی مطرح می گردند ، مثلا حقوق فرهنگی ، حقوق سیاسی واقتصادی و اجتماعی محدود ، ولی کشور غیر قابل تجزیه دانسته می شود و حق جدایی درآن وجود ندارد . امادر مسئله حق تعیین سرنوشت که کمونیست ها مطرح می نمایند حق جدایی وجوددارد . به عبارت دیگر از نظر کمونیست ها حق تعیین سرنوشت بدون حق جدایی یعنی حق ایجاد کشور و دولت مستقل برای خود ، معنی ومفهومی ندارد . به همین جهت است که در فرمول بندی حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدایی برای هر یک از ملیت ها و ملت های تشکیل دهنده وحدت ، می تواند معنی ومفهوم واقعی پیدا نماید .

اما درمورداحزاب شیعه مذهب باید گفت که آنها تا حال حتی خود مختاری هزاره جات را نیز بصورت واضح وروشن ورسمما مطرح نکرده اند . روابط این احزاب – چه با حکومت مزدور کابل و چه با احزاب مرتجع پشاوری – صرفا دراطراف آن اندازه حقوقی که آنها برای احزاب شان درحکومت مرکزی مطمع نظر دارند ، شکل گرفته است . اینها هیچوقت درمورد اینکه ملیت هزاره بایددرآینده از چه حقوقی برخوردار باشد حرفی نمی زنند و حتی نمایندگان آنها درمصاحبه های شان خواست خود مختاری را نوعی تجزیه طلبی و نفاق میان مسلمین تبلیغ می نمایند ، حد اقل بعضی از نمایندگان شان . از جانب دیگر آنچه آنها مطرح می نمایند حقوق ملیت هزاره نیست بلکه حقوق شیعیان افغانستان است که قسمتی از هزاره ها – البته قسمت بزرگ آنها – را در بر می گیرد و درعین حال اقلیت های بیات ، قزلباش ، سادات شیعه و شیعیان قندهار وهرات وسایر جاها را شامل می شود . به این ترتیب آنچه اینها مطرح می نمایند یک مسئله مذهبی است و نه یک مسئله ملیتی . هزاره های اسماعیلیه وهزاره های سنی برای این احزاب اصلا مطرح نمی باشند ، درحالیکه آنها بخش قابل توجه از ملیت هزاره را تشکیل می دهند .

آنچه در مورد حقوق ملی هزاره ها در میان روابط حزب وحدت بمیان کشیده می شود ، نظرات افراد ، دسته ها و گروه های خاصی است که رهبری در حزب وحدت را در دست ندارند و نمی توانند سیاست های این حزب را تعیین نمایند . ازین جهت نظرات این افراد و گروه ها را باید بمتابه نظرات وافکار خود شان در نظر گرفت و نه بمتابه افکار ونظرات حزب وحدت . مسئله خود مختاری هزاره جات در واقع تا حال صرفا از طرف اتحاد راه زحمتکشان بصورت واضح و روشن مطرح گردیده است که مبتنی بر ناسیونالیزم ، کرنش در مقابل شوونیزم ملیت حاکم و پایان آوردن حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدایی به حق خود مختاری می باشد . امید واریم در آینده زود با این طرح برخورد مشخصی داشته باشیم .

علی :

- برای تارک جنگ خلق علاوه بر تئوری به توانمندی عملی ضرورت است . در کسب توانمندی عملی قبل از همه تعلیمات نظامی ضروری می باشد که براه انداختن آن نیز به امکانات ضرورت است . بر علاوه به کسانی که بتوانند مسایل نظامی را آموزش دهند مورد ضرورت است . برای تدارک جنگ تنها به کسانی که امور سیاسی و تشکیلاتی را آموزش دهند نباید اتکاء نمود .

- باید از تجارب و آموزش های نیروهای دیگر عضو " جا ا " استفاده به عمل آید . در صورتیکه امکانات آن موجود باشد باید یکتعداد رفقا برای آموزش و تعلیمات نظامی نزد آنها فرستاده شود .

- وقتی رهبری در خارج از کشور باشد ، تحلیل هایش بصورت عموم ذهنی می باشد . نه تنها رهبری بلکه باید مجموع رفقای که توانمندی عملی ونظری دارند به داخل بروند و کارها را رهبری نمایند . وقتی رهبری در خارج باشد همانطوریکه تا حال در رابطه با جنگ هیچ کاری نتوانسته ، بعد ازین هم هیچکاری نخواهد توانست .

- تفنگی که زده می شود باید مورد حمایت توده ها قرار بگیرد . اگر توده ها تفنگ زدن ما را تأیید نکنند جنگ ما در فرجام منجر به شکست می شود .

- امکانات جنگی به نظر من از سه طریق می تواند تهیه شود . ۱ - مصادره مواد ووسایل نظامی در داخل . ۲ - دریافت کمک از منابع خارجی (منظور رفقای عضو " جا ا " اند) . ۳ - تهیه امکانات از جانب رهبری .

پردل :

- وقتی از تدارک جنگ خلق صحبت می شود ، قبل از همه یا در قدم اول باید این مسئله روشن شود که آیا همه رفقا (رفقای شرکت کننده درین کنگره ویا خارج از آن) برای شرکت

در فعالیت های عملی تدارکی آمادگی ذهنی دارند یا نه ؟ اگر آمادگی ذهنی وجود نداشته باشد هر قدر کوشش نمائیم بی فایده خواهد بود . مثلا آیا رفقای که فعلا در خارج هستند برای رفقای رفتن به داخل آمادگی ذهنی دارند یا نه ؟

- در مورد مسئله امکانات باید بگویم که ما باید به امکانات رفقا و هواداران اتکاء نمائیم . روی امکانات دیگران نمی توانیم اتکاء داشته باشیم .

- چگونگی وامکان تهیه امکانات مطرح است . بعد از درک این چگونگی است که می توان روی امکانات جنگ خلق بحث روشن نمود .

- شرکت رفقا در کنگره خود یک مسئله حایز اهمیت و قابل افتخار می باشد . اما متاسفانه بعضی از رفقا خود در کنگره شرکت نکردند و این خود یکی از نشانه های عدم آمادگی ما برای جنگ خلق می باشد .

- اینکه رفقای معینی فعلا در خارج از کشور بسر می برند خود یک کمبود است . اگر همین رفقای شرکت کننده در کنگره مصمم باشند می توان این کمبود را رفع نمود .

جاوید - چه حزب بوجود آید و چه این کنگره فیصله نماید که هنوز شرایط برای ایجاد حزب فراهم نشده است ، پیشبرد کار تازگی برای جنگ خلق یکی از وظایف مهم ما تلقی می شود .
- برای اینکه جنگ خلق را آغاز نمود ما به پایگاه ضرورت داریم . در مرحله تدارک قبل از همه باید یک منطقه که بتواند حیثیت پایگاه را اختیار کند نشانی و مشخص گردد .

- بعد از مشخص شدن منطقه ، برای پیشبرد کار در آن منطقه باید پروگرام های معین و روشن روی دست گرفته شود .

هوشنگ :

- سازماندهی تعلیمات و آموزش های نظامی یک ضرورت اساسی است . حتی احزاب و نیروهای ارتجاعی ، علاوه بر مسایل سیاسی وایدئولوژیک ، روی سازماندهی تعلیمات و آموزشهای نظامی تکیه می نمایند ، چنانچه هم اکنون مؤسسات آموزشی نظامی متعددی بوجود آورده اند . ازین جهت حزب کمونیست که می خواهد جنگ خلق را براه انداخته و به پیش برد ، باید به تعلیمات نظامی - منجمله ترمیم و ساخت اسلحه و مهمات - و سازماندهی درست آن توجه نماید .

- تجارب نظامی سالهای گذشته جنگ باید جمع آوری ، تدوین و نتیجه گیری شود .

- انتقال تجارب رفقای بیرونی در رابطه با جنگ و امور نظامی بیک امر خوب و لازمی است . سازمان در گذشته کم و بیش مراسلاتی با آن رفقا داشته است . باید این روابط بیشتر و بیشتر عمیق ساخته شود .

عطیت :

- برای اینکه تدارک برای جنگ خلق پیش برده شود اولاً به حزب ضرورت است . وقتی حزب ایجاد شد پلان کردن کارهای تدارکی جنگ خلق وظیفه حزب خواهد بود . با این هم می توان روی نکات ذیل تاکید نمود :

- ترتیب افراد حرفوی نظامی توسط حزب .

- تشکیل یک کمیته کار اقتصادی برای تامین مخارج کارهای تدارکی جنگ خلق .

- شناسائی مناطق مساعد برای برپایی جنگ خلق و کاردر آن مناطق .

- تکیه روی نیروهای نظامی خود و توجه به ارتقاء آمادگی های رزمی این نیروها .

- پیشبرد فعالیت های کوچک نظامی از قبیل اعدام های انقلابی در مناطق موردانتخاب پایگاهی آینده.

فروتن :

- استحکام واحد های حزبی در دهات براساس خط انقلابی و سیاست تشکیلاتی حزب .

- گسترش دادن فعالیت واحدهای حزبی در بین توده های دهقانی و جلب پیشگامان آنها .

- یافتن راه های درآمد واحد های حزبی در بین توده های دهقانان .

- جلب و جذب دهقانان ، بصورت عمده دهقانان فقیر ، در تشکیلات واحد های حزب تا واحد های حزب دارای پایه های توده ای باشد .

- مسلح ساختن واحد های حزبی براساس سیاست تکیه بر دهقانان و طرق مختلف دیگر وبصورت دیگر مسلح ساختن واحد ها از طرف حزب .

- استفاده کردن واحد های حزبی از هرگونه ظلم و اجحاف که بالای توده ها از طرف احزاب ارتجاعی و فئودالیزم صورت می گیرد .

- از طریق انداختن رفاقت با دهقانان و دفاع از منافع آنها و جلب و جذب آنها به واحد های حزب و جلب اعتماد آنها بر حزب .

- تشکیل واحدهای نظامی توده ای تحت رهبری واحد های تشکیلاتی حزب .

- تمرین عملیات نظامی توسط واحد های حزبی پیش درآمد آغاز جنگ خلق است ، تا این تمرینات تدارکی بتواند در آغاز و گسترش جنگ خلق نقش داشته باشد .

ضیاء :

مسائل مقدماتی قبل از بحث روی مسئله اصلی - کارهای اساسی ما تا حال عمدتاً در خارج از کشور صورت گرفته است (منظور کارهای اساسی س . ک . ا . ا . است) و ما تا حال در داخل نتوانسته ایم کار ویا کارهای مهمی انجام دهیم . ولی این مطلب نباید باعث آن شود که ما

دستاورد های خود را دست کم بگیریم . بودن رهبری در خارج از کشور یک نقیصه است و باید رفع شود . اما این گفته به این مفهوم نیست که این رهبری ما در رابطه با جنگ هیچ کاری انجام نداده است . آنچه در همین کنگره در قسمت تصویب مرامنامه و اساسنامه انجام دادیم - که تدوین و تصویب مبحث استراتیژی جنگ خلق جزء مهمی از آن است - تحت رهبری همین رهبری ای که داشته ایم انجام یافته است .

سوال اساسی ای که باید مطرح شود این است که آیا سازمان از وقت توکیل تا هنوز وظایف اصلی و اساسی ای را که بر عهده داشته است ، انجام داده یا نه ؟ اساسی ترین و اصلی ترین وظایفی را که سازمان بر عهده داشته است عبارت از آن وظایفی بوده است که به امر سترگ تشکیل حزب کمونیست افغانستان مربوط اند . تدوین و تصویب مرامنامه و اساسنامه حزب کمونیست افغانستان در همین کنگره بخش اساسی ای از این سلسله وظایف شمرده می شود و مهم ترین آنکه ما حتی کنگره مانرا در خارج از کشور برگزار کرده ایم . آیا این امر از اهمیت کنگره می گاهد ؟ البته بهتر بود اگر ما کنگره مانرا در داخل کشور برگزار می کردیم . اما وقتی نمی توانیم در داخل کنگره برگزار نمائیم آیا باید اصلا کنگره ای برگزار نکنیم ؟

ما وقتی بتاریخ جنبش کشورمان مراجعه نمائیم ، این جنبش را یک جنبش حراف و تئوری باف نمی یابیم ، بلکه جنبشی می یابیم که بیشتر به عمل زدگی مبتلا بوده است . اگر رفقا بعد از بیشتر از ربع قرن به گذشته بنگرند ، متوجه خواهند شد که مجموع جنبش ما از لحاظ پیشبرد کار تئوریک آنچه انجام داده است فقط نوشته های محدودی می باشند ، صرفنظر از محتوای آنها . این جنبش به آن اندازه ای که در مبارزات عملی سیاسی درگیر بوده است و بهر حال قربانی های بی شماری را متحمل شده است ، به کارهای تئوریک و جمع بندی از فعالیت هایش نپرداخته است و یا خیلی ناکافی پرداخته است .

آنچه بعد از بوجود آمدن جنبش نوین مائوئیستی، منجر به تشکیل سازمان کمونیست ها و مدون شدن مرامنامه و اساسنامه حزب و برگذاری همین کنگره موجود شد ، چه بوده است ؟ ما کامیابی ها و موفقیت های مانرا صرفا از روی بحث های روشنفکرانه و مجادلات تئوریک فاقد پایه عملی بدست نیاورده ایم . بلکه این موفقیت ها در نتیجه برخورد فعال انتقادی به گذشته در هر سه زمینه ایدئولوژی ، برنامه یا خط ، بدست آمده است . خوب البته از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی به پیمانانه زیادی تحت تاثیر مواضع " جا ا " و جذب موفقیت های ایدئولوژیک - سیاسی نوین آن .

ما بدون برخورد نقادانه به گذشته ، اگر همان فعالیت های گذشته را تکرار می کردیم یقینا به هیچ نتیجه ای جز همان نتیجه ای که در گذشته جنبش ما داشته است ، نمی رسیدیم . مبارزه

ایکه ابتدا با تشکیل هسته انقلابی و کمیته تبلیغ و ترویج شروع گردید ، امروز بعد از پنج سال خود را تا این کنگره رسانده است و این موفقیت بزرگی است نه تنها در مجموع بلکه مشخصا در رابطه با مسایل مربوط به جنگ خلق .

یکی از نکات انحرافی ایکه در جنبش ما در گذشته وجود داشته است این بوده است که بدون برخورد به گذشته و جمع بندی از تجارب گذشته و در نتیجه اجتناب از اشتباهات و انحرافات گذشته راهش را ادامه داده و ازینرو بار بار سرش به سنگ خورده است . جنبش ما ازین لحاظ بدبختی را می ماند که بالای خود تجربه نموده و بار بار از یک سوراخ گزیده شده است .

رفقا باید اهمیت بی نهایت عظیم مرانامه کنونی را درک نمایند واز آن با تمام وجدان حمایت نموده و آنرا مشعل راه خود سازند . کم بهادادن به آن در حقیقت کم بهادادن به خونبهای شهدای ما است . کم بهادادن باعث خواهد شد که ما باز هم قربانی های عظیم ولی بی نتیجه را متحمل شویم .

- با تدوین مرانامه حزب و تصویب آن در کنگره ، در واقع ما یک چهار چوکات اصولی را بدست آورده ایم . فقط می توانیم در پرتو رعایت اصول و رهنمودهای مطرح شده درین چهارچوکات می توانیم راه خود را دقیقا به جلو باز نمائیم . ولی البته این تمام مطالب نیست و ما باید مطالب دیگر را نیز در نظر گرفته ، آنها را درک نموده و بکار بندیم . وقتی ما بتوانیم اساسنامه حزب کمونیست افغانستان را درین کنگره تصویب نمائیم چهارچوکات اساسی دیگری معین نموده ایم . این چهارچوکات تشکیلات ما را شکل می دهد و رعایت اصول و ضوابط آن الزامی است .

به این صورت است که با توجه به شروط و الزامات دیگر ، پس از تصویب مرانامه و اساسنامه حزب ، هرگاه رفقای شرکت کننده درین کنگره (یعنی همین هشت نفر به اضافه سه رأی انتقالی) مصمم باشند دیگر ما به یقین می توانیم بگوئیم که بصورت قطعی ما حزب هستیم و هیچ کمبودی در حزب بودن ما وجود ندارد . این گام بزرگی در راه تدارک برای برپایی جنگ خلق خواهد بود و ازین نظر میتوانیم بگوئیم که کار مهمی را در رابطه با جنگ خلق انجام خواهیم داد . حتی اگر نتوانیم حزب کمونیست را تاسیس نمائیم و فرمولبندی " حزب در حال شکل " مورد قبول واقع شود ، باز هم کار مهمی را در رابطه با جنگ خلق درین کنگره انجام داده ایم .

- مسئله مهم و اساسی ایکه بعد از تصویب مرانامه در پیش پای ما قرار می گیرد ، همانا عمل کردن به اصول و رهنمودهای مطرح شده در آن می باشد . فعالیت های ما باید اصولی و کمونیستی باشد نه پراگماتیستی ، فعالیت های ما باید نقشه مندانه و مطابق پلان باشد نه

کورکورانه وبدون دورنما و فاقد نقشه . حزب کمونیست نمی تواند مثل " ساما " روی خوانین تکیه نموده و از عقب حوادث بدود ، بلکه باید به توده ها - عمدتا توده های دهقانی - تکیه نموده وباتدوین نقشه های دقیق که در مورد آنها تعمق کافی صورت گرفته باشد کارهای خود را پیش ببرد .

مسایل تدارک خلق -

- پیشبرد آموزش وتعلیمات نظامی با استفاده از امکانات احزاب وسازمان های برادر ، فقط درپرو می تواند امکان داشته باشد . تا جای که من اطلاع دارم فعلا درجای دیگری ممکن نیست . دعوت رفتن به پرو را که از طرف کمیته " جا ا " به " ضیاء " پیشنهاد شده بود بخاطر اهمیت کار کنگره فعلا نتوانستیم اجرا نمائیم و اجرای آنرا به بعد موکول کردیم . البته از لحاظ وظایف انترناسیونالیستی نیز وظیفه داریم که به آنجا برویم ، ولی از جانب دیگر رفتن بخاطر بررسی اوضاع و درک جنبه های مختلف کار آنها از نزدیک نیز مهم است . ولی بهرحال من فکر می کنم که دران کشور نخواهیم توانست هنوز چیز هایی را مشاهده نمائیم که عمده تر از تجارب خود ما باشد . این مطالب در رابطه با گفته های رفقا درین مورد مطرح گردید .

- تدارک برای جنگ خلق مجموع فعالیت های را شامل می شود که اجرای آنها حزب وتوده های تحت رهبری اش را قادر می سازد عملا جنگ را آغاز نمایند . فرمولبندی مراناموی ما به اجرای این سلسله وظایف وفعالیت ها اهمیت محوری قایل است . بنابر فرمولبندی مرانامه یعنی این فرمولبندی که : " تا وقتیکه جنگ خلق براه نیفتیده تمامی فعالیت های حزب در خدمت تدارک برای برپایی آن باید پیش برده شود ، حزب مکلف است تمام فعالیت های خود را برمحمورتدارک برای برپایی جنگ خلق پیش ببرد . در نظر داشت جدی و قاطع این امر ، در امر تدارک برای برپایی جنگ خلق اولین نکته است .

- آموزش نظامی و آشنایی با قوانین استراتژیک و تاکتیکی جنگ امر مهمی است . این آموزش هم شامل آموزش های تئوریک می شود وهم شامل آموزش های عملی .

آموزشها وتعلیمات تئوریک جنگ شامل مطالعه آثار نظامی مارکسیستی ، مطالعه جنگ درسایر انقلابات ، بررسی جنگ های کشور خود ما منجمله جنگ مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی وبررسی و جمعبندی تجارب جنگی خود ما است . در مورد اهمیت آموزش ها وتعلیمات تئوریک نظامی نباید بی مبالاتی و بی توجهی کرد ، زیرا که جنبش ما ازین لحاظ متاسفانه بسیار فقیر وعقبمانده است . درین مورد کافی است به نمونه کمیته تبلیغ و ترویج توجه نمود که در برنامه پیشنهادی اش حتی ناتوان از درک معانی ومفاهیم اصطلاحات نظامی بسیار عمومی می باشد . سطح تئوریک جنبش ما ودرنتیجه سطح تئوریک خود مادر مورد

جنگ وقوانین آن بسیار عقبمانده است . برای برپایی جنگ خلق البته نمیتوان گفت که سطح فعلی کافی می باشد . باید این سطح را تا حد مورد لزوم ارتقاء داد . به نظر من مطالعه و آموزش نظامی تئوریک باید عمومی باشد . درپهلوی این مسئله باید آموزش ها و تعلیمات عملی نظامی درمناطق مساعد و درصورت امکان در سایر مناطق پیش برده شود . ولی درهر دوساحه آموزش نظامی باید توجه نمائیم که ما از صفر شروع نمی نمائیم و درواقع چیزهایی، و شاید هم چیزهای بارزشی در دست داریم که حاصل مبارزات سالهای گذشته خود ما است .

- شناسایی مناطق مساعد ، ایجاد تشکیلات حزبی درین مناطق و پیشبرد فعالیت های مبارزاتی توده ای و قبل از همه جلب و جذب توده های پیشرو و سازماندهی آنها تحت رهبری حزب ، امر مهمی در تدارک جنگ خلق به شمار می رود .

به نظر من مناطق مساعد دارای این خصوصیات و اوصاف می باشد :

۱ - امکان ایجاد تشکیلات منطقی و محلی حزبی را بخوبی دارا باشند .

۲ - تضاد های طبقاتی و ملی حدت داشته باشند و برای توده ها انگیزه های مبارزاتی طبقاتی و ملی وجود داشته باشند .

۳ - نیروهای نظامی دشمن در آنجاها ضعیف باشند .

۴ - اوضاع جغرافیائی از لحاظ چگونگی تدارک ، برپایی و پیشبرد جنگ خلق بحال ما مساعد باشند .

۵ - وضع اقتصادی منطقه طوری باشد که در صورت به محاصره کشیده شدن بتوان باحد اقل مشکلات با محاصره مقابله نمود .

- به نظر من دوش شرط اول اجتناب ناپذیر اند . شرط سوم اهمیت نظامی بزرگی دارد و شرط چهارم نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می باشد . شرط پنجم نیز از اهمیت برخوردار می باشد . حد اقل تامین دوش شرط اول و دوم یکی از شروط چهارم و یا سوم حتما باید در نظر گرفته شوند .

وقتی منطقه مساعدی معین می شود و فعالیت حزب در آن منطقه براه می افتد ، ما نباید صرفا به فعالیت های نیروهای محلی و منطقی اکتفا کنیم ، بلکه تا آنجای که ممکن است باید نیروهای را از خارج منطقه نیز در آن متمرکز نمائیم . اما این کار فقط وقتی ممکن است که رفقای محل و منطقه بتوانند افراد و دسته های اعزامی خارج از منطقه را در منطقه شان جا بجا نمایند و زمینه را برای استقرار شان مساعد گردانند . در غیر آن هیچ فرد و دسته ای خارج از منطقه نمی تواند در آن منطقه فرستاده شود و حزب نیز نباید دست به چنین کاری بزند .

- فعالیت های نظامی ای که می تواند در یک منطقه مساعد در مرحله تدارک پیش برده شود ، عبارت اند از :

۱ - تعلیمات تئوریک و عملی نظامی . تعلیمات صرفا تئوریک را می توان در بیرون از مناطق مساعد نیز سازماندهی کرد ، اما سازماندهی تعلیمات نظامی عملی در خود منطقه اجتناب ناپذیر است .

۲ - ایجاد گروه های نظامی مخفی . شاید در مراحل اولیه صرفا از اعضاء و هواداران نزدیک حزب - و فراهم آوری تسلیحات و مهمات مورد ضرورت برای فعالیت های ابتدایی جنگی ، با اتکاء به امکانات خود رفقا از طریق مختلف (گرد آوری امکانات موجود فعلی شخصی و غیر شخصی) تهیه سلاح های دست ساخت و مواد منفجره خانگی و بکارگیری امکانات هواداران و لو بصورت مؤقتی و بطور امانت .

۳ - سازماندهی و اجرای اعدام های انقلابی بصورت مخفی . درین مورد به ویژه باید عناصر بد نام و مورد نفرت مردم و دست اندرکاران فعال مشی مصالحه ملی مورد نظر باشند .

۴ - اجرای عملیات معین و مشخص برای بدست آوردن سلاح و مهمات و پول . برای تهیه اسلح و مهمات نباید به شیوه خریداری فکر کرد ، مگر اینکه پول مورد استفاده مصادره ای باشد ، زیرا که تهیه پول برای خریداران سلاح ها و مهمات مورد نیاز اساسا غیر ممکن است .

(باز تایپ کننده " حبیب ")